



Criminological Study of Hate Crimes Against Foreign Immigrants

Behzad Razavi fard¹ | **Mahdi Hamooleh²**

1. Associate Professor, Department of Criminal Law and Criminology, Faculty of Law and Political Sciences, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran.

Email: razavifard@atu.ac.ir

2. Corresponding Author: M.A. in Criminal Law & Criminology, Faculty of Law and Political Sciences, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran.

Email: ma_hamooleh@atu.ac.ir

Article Info

Article type:

Research Article

Article history:

Manuscript Received:

8 February 2025

Accepted:

11 september 2025

Published online:

21 september 2025

Keywords:

Discrimination,

Prejudice,

Hate Crimes,

Criminology,

Foreign Immigrants,

Hatred.

ABSTRACT

Committing hate crimes as a violent act and intimidation against immigrants as one of the vulnerable groups, often due to their racial, national and ethnic identity, has always had a wide impact on the social relations of these groups. The problem of this research is the criminological investigation of hate-based crimes with an emphasis on immigrants, and from a criminological approach, it will explain the theories, approaches and causes and factors of the formation of roots leading to hatred. The research method will be descriptive-analytical with a qualitative approach, combined with in-depth (qualitative) interviews and organized through thematic analysis of the data, coding, and its interpretation to the point of theoretical saturation. In the analysis of the findings, various psychological, socio-cultural, economic and political causes and factors, each according to the current conditions and situation, can play a role as a stimulus and catalyst in the creation of crimes based on hatred towards immigrants, and the roots of its formation according to Related theories such as Agnew's general strain and Perry's structural action are analyzed. The continuous continuation of these crimes in the social structure can play a key role in the dual continuity of us and them in the immigrants and put them on the path of social disintegration, isolation and ostracism. These waves have never subsided in a world where hatred has become a part of people's daily life towards immigrants, and with each wave it can create turbulence in them.

Cite this article: Razavi fard, Behzad; Hamooleh, Mahdi (2025). "Criminological Study of Hate Crimes Against Foreign Immigrants". *Criminal Law and Criminology Studies*, 55(2): 43-66.

DOI: <https://doi.org/10.22059/JQCLCS.2026.390169.1977>



© The Author(s).

Publisher: University of Tehran Press.

<https://doi.org/10.22059/JQCLCS.2026.390169.1977>



مطالعه جرم‌شناختی جرائم مبتنی بر نفرت نسبت به مهاجران خارجی

بهزاد رضوی فرد^۱ | مهدی حموله^۲

۱. دانشیار، گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.

رایانامه: razavifard@atu.ac.ir

۲. نویسنده مسئول: دانش‌آموخته کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبائی،

تهران، ایران.

رایانامه: ma_hamooleh@atu.ac.ir

اطلاعات مقاله

چکیده

نوع مقاله:

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت:

۱۴۰۳/۱۱/۲۰

تاریخ پذیرش:

۱۴۰۴/۰۶/۲۰

تاریخ انتشار:

۱۴۰۴/۰۶/۳۰

کلیدواژه‌ها:

تبعیض،

تعصب،

جرائم مبتنی بر نفرت،

جرم‌شناسی،

مهاجران خارجی،

نفرت.

ارتکاب جرائم مبتنی بر نفرت به‌مثابه اقدامی خشونت‌آمیز و ارباب‌آمیز علیه مهاجران، به‌عنوان یکی از گروه‌های آسیب‌پذیر اغلب به دلیل هویت نژادی، ملی و قومیتی خود، همواره تأثیرات گسترده‌ای در روابط اجتماعی این گروه‌ها داشته است. مسئله این پژوهش بررسی جرم‌شناسانه جرائم مبتنی بر نفرت نسبت به مهاجران خارجی است و از رهیافتی جرم‌شناختی به تبیین علل و عوامل شکل‌گیری ریشه‌های منتهی به نفرت و نظریات مرتبط خواهد پرداخت. روش پژوهش توصیفی - تحلیلی همراه با رویکرد کیفی و توأم با مصاحبه عمیق (کیفی) و سازمان‌دهی از طریق تحلیل مضمون داده‌ها و کدگذاری و تفسیر آن تا حد اشباع نظری خواهد بود. در تحلیل و تجزیه یافته‌ها، علل و عوامل مختلف روان‌شناختی، فرهنگی - اجتماعی، اقتصادی و سیاسی، هرکدام بنا به شرایط و وضع جاری می‌تواند به‌عنوان محرک و کاتالیزوری در ایجاد جرائم مبتنی بر نفرت نسبت به مهاجران نقش داشته باشد که ریشه‌های شکل‌گیری آنها مطابق نظریه‌های مرتبط مانند فشار عمومی اگنیو و کنش ساختاری پری مورد واکاوی قرار می‌گیرد. تداوم پیوسته این جرائم در ساختار اجتماعی می‌تواند در استمرار دوگانه «ما» و «آنها» در مهاجران نقشی کلیدی ایفا کند و آنان را در مسیر فرایند گسست اجتماعی، انزوا و طردشدگی قرار دهد. این امواج در دنیایی که نفرت به جزئی از زندگی روزمره مردم نسبت به مهاجران تبدیل شده است، هرگز فروکش نکرده و با هر موج خود می‌تواند تلاطمی در آنان ایجاد نماید.

استناد: رضوی فرد، بهزاد؛ حموله، مهدی (۱۴۰۴). مطالعه جرم‌شناختی جرائم مبتنی بر نفرت نسبت به مهاجران خارجی. مطالعات

حقوق کیفری و جرم‌شناسی، ۵۵(۲)، ۴۳-۶۶.

DOI: <https://doi.org/10.22059/JQCLCS.2026.390169.1977>



© نویسندگان.

<https://doi.org/10.22059/JQCLCS.2026.390169.1977>

ناشر: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.

۱. مقدمه

جرائم مبتنی بر نفرت^۱ به جرائمی گفته می‌شود که در آن بزه‌دیده به سبب ویژگی‌های واقعی یا تصور شده‌ای همچون وابستگی نژادی، رنگ، مذهب، قومیت، جنسیت، معلولیت و یا اصالت ملی توسط مرتکب انتخاب می‌شود. این جرائم با شواهد آشکاری از تعصب، نفرت، پیش‌داوری و خشونت به دلیل هویت بزه‌دیدگان همراه هستند (چاکرابورتی و گارلند، ۱۴۰۲: ۱۹-۱۸). مهاجران نیز به‌عنوان یکی از اعضای گروه‌های اقلیت که با گسترش گسترده پدیده مهاجرت در سراسر جهان توجه‌های زیادی را به خود جلب کرده‌اند، به کانونی از آماج ارتکاب جرائم مبتنی بر نفرت تبدیل گشته‌اند که در آن افراد بومی با ایجاد نفرت از آنان، این پیام را به گروه مقابل منتقل می‌کنند که در کشورشان جایی برای آنان وجود ندارد. در تعریفی، مهاجر به اشخاصی گفته می‌شود که به دلایل مختلف سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، زیست‌بومی و... محل زندگی خود را ترک کرده و در منطقه‌ای دیگر (مهاجرت داخلی) یا کشوری دیگر (مهاجرت خارجی) سکونت می‌گزینند. نگاه به جرائم مبتنی بر نفرت و تعصب نهادینه‌شده در برخی از جوامع، به‌عنوان یک ساختار اجتماعی پنهانوری درک می‌شود که با حضور در فرهنگ عامه جامعه^۲، نسل به نسل انتقال یافته و هویت فرهنگی آنان را بر مبنای توجیه نفرت و تثبیت کلیشه‌های تبعیض‌آمیز تداوم می‌بخشد.

بر همین اساس ضرورت پرداختن به این موضوع از آن روست که نخست، این جرائم علاوه بر پیامدهای فردی مخرب برای بزه‌دیدگان مهاجر، منجر به گسست اجتماعی، ترویج تعصب و تبعیض و تضعیف همبستگی اجتماعی در کشور میزبان می‌شود. همچنین آمار پایین گزارش بزه‌دیدگان مهاجر جرائم مبتنی بر نفرت به مقامات پلیسی و بالا بودن رقم سیاه بزهکاری در این جرائم موجب پیچیدگی بیشتر اوضاع می‌شود و این فرایند می‌تواند به‌موجب بی‌اعتمادی اقلیت‌هایی نظیر مهاجران به پلیس و سیستم قضایی و عدم نتیجه گرفتن از مراجعات گذشته، تشدید گردد. جرائم مبتنی بر نفرت الزاماً جرائمی نیستند که در آن مجرم از قربانی تنفر داشته باشد و برای دسته‌بندی این جرائم، نفرت به‌عنوان عامل انحصاری مطرح نیست و وجود عناصری کلی‌تر مانند تعصب^۳، تبعیض^۴ و پیش‌داوری^۵ می‌تواند این جرائم را در قلمرو جرائم مبتنی بر نفرت قرار دهد. مسئله این پژوهش بررسی جرم‌شناسانه ارتکاب جرائم مبتنی بر نفرت نسبت به مهاجران خارجی به‌عنوان یکی از گروه‌های مورد هدف است که از رهیافتی جرم‌شناختی به تحلیل و تبیین علل و عوامل ایجادکننده نفرت و نظریات مرتبط با آن می‌پردازد و با انجام مصاحبه‌های عمیق کیفی با ۱۵ نفر از افراد دارای عقاید نفرت‌انگیز نسبت به مهاجران و ۱۵ نفر از مهاجران خارجی مورد تحلیل قرار می‌گیرد. نحوه انتخاب مهاجران به‌صورت تصادفی و از میان اقشار مختلف، از جمله افراد بی‌سواد، تحصیل‌کرده، دانشجویان، کارگران و صاحبان مشاغل گوناگون، با پیشینه‌های اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی متفاوت، در مناطق مختلف استان تهران انجام خواهد شد. این مناطق شامل نواحی پرمهاجر، مانند باقرشهر و کهریزک است که بر اساس اخبار منتشرشده، جمعیت دانش‌آموزان مهاجر در آنها به حدود یک‌سوم کل دانش‌آموزان می‌رسد و بیانگر تمرکز بالای مهاجران در این مناطق است.^۶ همچنین مناطق کم‌مهاجر، از جمله برخی مناطق شمالی شهر تهران که حضور مهاجران در آنها کمتر است^۷، نیز در نمونه

1. Hate Crimes

2. Folklore

3. Bias

4. Prejudice

5. Pre-Judging

۶. باشگاه خبرنگاران جوان، «یک‌سوم دانش‌آموزان باقرشهر و کهریزک از اتباع هستند»، به آدرس: www.yjc.ir/00YrUs [آخرین بازدید: ۱۴۰۴/۰۲/۲۲].

۷. مشاهدات میدانی پژوهشگر درخصوص سکونت مهاجران افغانستانی در مناطق شمالی تهران، نشان می‌دهد که این افراد در این مناطق بیشتر به‌عنوان سرایدار یا کارگران خدماتی مشغول به کار هستند و اجازه اقامت شبانه و استراحت در برخی از این منازل به آنان داده می‌شود.

پژوهش قرار خواهند گرفت. این شیوه انتخاب با هدف مقایسه یافته‌های حاصل از مصاحبه‌ها در مناطق پرمهاجر و کم‌مهاجر و بررسی تأثیر تراکم جمعیت مهاجران بر احتمال ارتکاب جرائم مبتنی بر نفرت اتخاذ شده است.

درخصوص نحوه انتخاب مصاحبه‌شوندگان دارای عقاید نفرت‌آمیز نیز نحوه انتخاب آنان به‌صورت انتخابی با شناخت قبلی پژوهشگر از عقاید آنان، تصادفی و ترکیبی از مواجهه اتفاقی و انتخاب هدفمند/فرصت‌طلبانه^۱ با گروه‌های متنوعی از مردم مانند دانشجویان، کارمندان (دولتی/خصوصی)، کارگران، صاحبان کسب‌وکار، افراد دارای مشاغل آزاد در رده‌های سنی جوانان، میان‌سالان و سالمندان از طبقات مختلف اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی در استان تهران مدنظر است. روش ارزیابی داده‌های به‌دست‌آمده از مصاحبه‌ها نیز به‌صورت تحلیل مضمون^۲ است و با شناسایی مضامین کلیدی مربوط به تجربیات مهاجران خارجی از جرائم مبتنی بر نفرت در کشور ایران و همچنین درک و تحلیل دیدگاه‌ها، انگیزه‌ها و توجیهات افراد دارای عقاید نفرت‌انگیز در ارتباط با مهاجران خارجی در ایران تحلیل انجام گرفته است و در این راستا مضمون‌های هر گروه به‌صورت جداگانه انجام شده و سپس کدها در کنار یکدیگر قرار گرفته‌اند.

۲. مهاجران، آماجگاه جرائم مبتنی بر نفرت

زمانی که افرادی با هویت‌ها، باورها و شیوه‌های زندگی متفاوت از اکثریت جامعه ظاهر می‌شوند، اغلب به‌عنوان تهدیدی برای نظم موجود و هنجارهای غالب تلقی می‌گردند و این ترس از تغییر و متفاوت بودن، باعث می‌شود تا گروه‌های حاکم برای حفظ قدرت و سلطه خود به سرکوب و محدود کردن آزادی‌های گروه‌های مهاجران روی آورند. افراد مهاجر در کنار محدودیت‌های گروه‌های اقلیتی با مشکلات بیشتری نظیر عدم آشنایی با قوانین کشور میزبان، مشکلات زبانی، ترس از انتقام مردم بومی و هراس از به خطر افتادن وضعیت اقامت خود روبه‌رو هستند که همراهی آن با تغییرات الگو و روندهای مهاجرتی در سراسر جهان وضعیت آنان را در برابر سایر ابعاد این جرائم حساس و ویژه‌تر می‌نماید.

مطابق نگرش قوم‌مداری^۳، غیرخودی‌ها به‌منزله افرادی بیگانه و نامتمدن یا کسانی که از نظر اخلاقی و ذهنی فرومرتب‌تر هستند، پنداشته می‌شوند که این عقیده ریشه بسیاری از جرائم مبتنی بر نفرت قلمداد می‌شود و مهاجران با فنوتیپ^۴ متفاوت بیشتر در معرض خشونت و نفرت واقع می‌شوند. بیگانه‌هراسی^۵ به واکنشی روان‌شناختی گفته می‌شود که در آن مردم کشور میزبان از تأثیرات ورود تعداد زیادی از مهاجران در کشور بیم و واهمه دارند و از این منظر متفاوت از نژادپرستی است. افزایش سطوح ناهمگونی قومی یا نژادی باعث ایجاد احساس واهمه‌ای در ساکنان بومی می‌شود که احساس می‌کنند محله آنها روبه‌زوال

۱. به‌عنوان نمونه، در شرح انتخاب ترکیبی از مواجهه اتفاقی و انتخاب هدفمند و فرصت‌طلبانه از یکی از مصاحبه‌شوندگان دارای عقاید نفرت‌انگیز، پژوهشگر هنگام تردد در متروی تهران هنگامی که در ایستگاه دروازه‌دولت سه مهاجر افغانستانی وارد واگن می‌شوند، با واکنش تند و نفرت‌انگیز یکی از مسافران نسبت به آنان روبه‌رو می‌شود که با الفاظ موهنی خواهان بازگشت آنان به کشورشان است و نزاعی بین این اشخاص صورت می‌گیرد. این مواجهه ناگهانی، فرصتی را فراهم می‌آورد تا پژوهشگر پس از پیاده شدن از قطار در ایستگاه مقصد آن فرد و با رعایت کامل موازین اخلاقی (ازجمله معرفی خود، هدف پژوهش و کسب رضایت اولیه)، با آن فرد وارد گفتگو شده و مصاحبه‌ای به‌صورت عمیق کیفی به مدت ۴۵ دقیقه انجام دهد و درک عمیق‌تری از دیدگاه‌ها و استدلال‌های فرد به دست آورد.

2. Thematic Analysis

3. Ethnocentrism

۴. فنوتیپ یا رخ‌نمود (Phenotype)، یک ساختار قابل مشاهده از رفتار، پوشش، آداب و فرهنگ مردمانی است که با نژاد خاص در محیط خاص جغرافیایی از خود نشان می‌دهند. درواقع فنوتیپ در اصطلاح فرهنگی به معنای الگوها، رفتارها و خصوصیات فرهنگی است که در یک جامعه خاص وجود دارد. این مفهوم به تفاوت‌ها و ویژگی‌های فرهنگی مردم یک منطقه، گروه یا جامعه اشاره دارد؛ فنوتیپ‌های مردم یک کشور می‌تواند آنان را از دیگر کشورها متمایز کند.

5. Xenophobia

است. در این راستا افزایش چشمگیر تعداد غریبه‌ها و اتباع خارجی سبب می‌شود محیط محلی کمتر آشنا و شاید تهدیدکننده‌تر به نظر برسد و گرچه با عبارات نژادپرستانه با آنان برخورد نشود، به آنان به چشم تهدیدی علیه آسایش افراد محلی نگاه می‌شود و در این راستا جرائم مبتنی بر نفرت نسبت به مهاجران نزد آنان مشروعیت پیدا می‌کند. در مصاحبه شخصی از افراد دارای عقاید نفرت‌انگیز و دارای سابقه جرائم مبتنی بر نفرت نیز بیگانه‌هراسی زیادی به چشم می‌خورد. در نمونه عملی درخصوص افزایش حضور مهاجران افغانستانی در ایران، در مصاحبه‌ای عنوان می‌شود:

«بله، من نسبت به حضور مهاجران افغانی در ایران نفرت دارم، چراکه می‌ترسم حضور این حجم از مهاجران در ایران تهدیدی جدی علیه ما باشد. همین افراد، کارگردان داریوش مهرجویی را به قتل رساندند و اگر امروز جلوی آنان ایستادگی نکنم و با اقدام عملی نفرت خود را نشان ندهم، می‌ترسم فردا به سراغ من نیز خواهند آمد و ممکن است سر من را هم ببرند. همه خانواده‌های ایرانی در برابر آنان در خطر هستند و باید با آنان مقابله کرد. حضور این افراد فقط باعث ناامنی بیشتر محلات کشور می‌شود و نباید اجازه داد تا آنان در این کشور ساکن شوند.» (سن: ۳۰، شغل: کارمند، سکونت: عدم اعلام)

همان‌گونه که پیداست، افزایش حضور مهاجران، هرچند در صورت وجود تناسب میان میزان جرائم و جمعیت آنان ممکن است نتیجه‌ای معکوس را نشان دهد، می‌تواند با افزایش دامنه بیگانه‌هراسی رابطه مستقیمی داشته باشد و این امر در زمان مشکلات اقتصادی، اجتماعی و سیاسی تشدید می‌شود. افراد گروه اکثریت در اینجا منافع زندگی خود را در خطر می‌بینند و با هراس و پیش‌داوری که به وجود می‌آید، به مقابله با گروه اقلیت (مهاجران) می‌پردازند.

۳. نظریات مرتبط با جرائم مبتنی بر نفرت نسبت به مهاجران

اگر عوامل نفرت را به معنای وسیع آن در نظر بگیریم، می‌تواند حوزه‌های مختلف روانی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و... را پوشش دهد. گستردگی و پیچیده بودن عوامل ایجاد نفرت در انسان‌ها موجب تنوع مطالعات درخصوص جرائم مبتنی بر نفرت گشته است و یک حرکت غیرعادی یا غیرمنتظره کافی است تا سیلی از نفرت را در قبال گروهی که به‌عنوان «دیگری» شناخته می‌شوند، به راه اندازد و آنان را مسبب وضع موجود قلمداد کند. بر این اساس در این گفتار تلاش می‌شود تا از نظریاتی که می‌توان میان آنان و جرائم مبتنی بر نفرت ارتباط برقرار کرد، بهره برده و تحلیلی جرم‌شناسانه با توجه به نظریات جرم‌شناختی از آنان ارائه کرد.

۳.۱. نظریه فشار عمومی اگنیو و فشار نفرت از مهاجران

نظریه عمومی فشار^۱ از رابرت اگنیو^۲، فشار ناشی از ناتوانی در دستیابی به موفقیت و محرک‌های تنش‌زا را در افزایش احتمال وقوع جرم مؤثر می‌داند و بیان می‌دارد که طیفی از محدودیت‌ها و عوامل استرس‌زا وجود دارند که به وقوع جرم و بروز هیجانات منفی نظیر خشم و بیزارى کمک می‌کنند، ازجمله محدودیت در بازنمایی محرک منفی (مانند سوءاستفاده کلامی یا فیزیکی)، از دست دادن محرک مثبت (مانند مرگ عزیزان و از دست دادن شغل)، ناتوانی در رسیدن به اهداف بالارزش (مانند ثروت و مقام) و گسست میان توقعات فرد و دستاوردهای عملی (رایجیان اصلی، ۱۴۰۲: ۳۳۳-۳۳۲). در این جهت گروه‌های مهاجران که به دلایل مختلف نظیر اقتصادی و فرهنگی عامل ایجاد فشار و محدودیت تلقی می‌شوند، دیگران یا افراد خارج از گروه تلقی گشته و به‌طور معمول به این دلیل که

1. General Strain Theory (GST)
2. Robert Agnew

در یکی از ابعاد نظیر مذهب، قومیت، نژاد، منطقه یا ملیت متفاوت هستند، مورد نفرت واقع می‌شوند که این مفاهیم در مصاحبه‌ها نیز تجلی می‌یابد.

«من اصلاً از مهاجران افغانستانی دل خوشی ندارم. یکی از این دلایل، چند برابر شدن اجاره خانه در محله‌مان (باقرشهر) به خاطر حضور گسترده آنهاست. با زیاد شدن تقاضا، قیمت مسکن بالا رفته است و از طرفی، بعضی از این افغانی‌ها یا چند خانواده با هم در یک خانه زندگی می‌کنند و می‌توانند اجاره‌های سنگین‌تری بپردازند. به همین خاطر، برخی از صاحب‌خانه‌ها دیگر حاضر نیستند قرارداد ما ایرانی‌ها را با قیمت پایین‌تر تمدید کنند. من یک سال تمام زحمت کشیده بودم تا با پولی که جمع کرده‌ام، یک خانه نقلی اجاره کنم ولی اکنون به دلیل حضور این افغانی‌ها نمی‌توانم و بی‌خانه ماندن خودم را از چشم این افراد می‌بینم». (سن: ۴۰، شغل: بنایی، سکونت: باقرشهر).

به گفته اگنیو، خشم حیاتی‌ترین واکنش عاطفی برای اهداف نظریه فشار عمومی است و زمانی به وجود می‌آید که افراد ناملایمات خود را به گردن دیگران می‌اندازند. در اینجا عصبانیت و نفرت یک احساس کلیدی است، زیرا سطح آسیب احساس‌شده فرد را افزایش می‌دهد، میل به انتقام را برمی‌انگیزد، انگیزه لازم برای اقدام را فراهم می‌کند، از میزان بازدارندگی‌های درونی می‌کاهد و این باور را در افراد تقویت می‌کند که رفتار پرخاشگرانه آنان موجه است (Sexton, 2011:5-8).

در نمونه عملی درخصوص کیفیت تحصیل دانش آموزان، وجود محرک‌های منفی، نظیر شلوغی بیش‌ازحد کلاس به دلیل وجود دانش آموزان افغانستانی و حذف محرک‌های مثبت، همچون انتظار از کیفیت تحصیل مطلوب به بروز احساسات خشم و نفرت گشته است. در این حالت، یک مشکل ساختاری (کمبود مدرسه و افزایش جمعیت) به یک فشار شخصی (کلاس شلوغ و افت کیفیت تحصیل دانش آموزان) تبدیل شده و این فشار از طریق برانگیختن احساسات منفی (خشم و نفرت) درنهایت به شکل‌گیری یک نگرش خصمانه نسبت به گروه مهاجران منجر شده است.

«بچه من باید در کلاسی بنشیند که مثل قوطی کبریت پر از آدم است. روی یک نیمکت سه نفره! کنار دو تا بچه افغانی. تمام تمرکزش را از دست داده است. معلم بیچاره چطور می‌تواند در آن شلوغی و همه‌همه به بچه‌ها چیزی یاد بدهد؟ کیفیت آموزش به صفر رسیده است. از این افغانی‌ها متنفرم که آمده‌اند و زندگی ما را این‌طور به هم ریخته‌اند. مگر بچه‌های ما چه گناهی کرده‌اند که باید تاوان حضور آنان را بدهند؟» (سن: ۳۵، شغل: کارگر، سکونت: کهریزک).

۳.۲. نظریه کنش ساختاری (تفاوت‌سازی) پری و نفرت ساختاری از مهاجران

باربارا پری^۱ جامعه‌شناس، استاد جرم‌شناسی و مدیر مرکز نفرت، تعصب و افراط‌گرایی^۲ در کانادا در کتاب تأثیرگذار خود «به نام نفرت، درک جرائم مبتنی بر نفرت»^۳ به تبیین و بسط نظریه خود در جرائم مبتنی بر نفرت یعنی کنش ساختاری (تفاوت‌سازی)^۴ می‌پردازد. به اعتقاد پری برای درک جرم مبتنی بر نفرت نیز باید آن را در زمینه اجتماعی - فرهنگی خودش قرار داد. به‌ویژه جرائم مبتنی بر نفرت علیه مهاجران که اغلب به‌عنوان خشونت قومی^۵ از آن یاد می‌شود و باید به‌عنوان مجموعه‌ای از مکانیسم‌هایی که بر اساس مفاهیم عمیقی از تفاوت که برای توجیه و ساختن سلسله‌مراتب در امتداد

1. Barbara Perry
2. Centre on Hate, Bias and Extremism
3. In the Name of Hate: Understanding Hate Crime
4. Structural Action Theory (Doing difference)
5. Ethno Violence

خطوط قومیتی و نژادی با تفاوت سازی تشکیل شده است و توسط مجموعه‌های عمیقاً ریشه‌ای از روابط قدرت حفظ می‌شود و در راستای این جامعه مدرن، سلسله‌مراتب قدرت اکنون با تسلط بر «تفاوت» تشکیل شده است، درک شود؛ به عبارت دیگر تفاوت از روش‌های همیشه در حال تغییر در طول زمان و مکان از نظر اجتماعی ساخته شده است و این ساختار تغییر، حذف و به حاشیه راندن گروه‌های اقلیت مانند مهاجران را به‌طور ساختاریافته تقویت می‌کند.

این ترس از تهدید فرهنگی در سخنان یک جوان ایرانی (مصاحبه‌شونده شماره ۴) به‌وضوح دیده می‌شود که از «ظاهر شدن گسترده مهاجران با لباس‌های محلی» و آداب‌ورسوم خاصشان به‌عنوان عاملی که «چهره فرهنگی و اجتماعی شهر را تغییر می‌دهد» و آن را «تهدیدی برای فرهنگ ایران» می‌داند، یاد می‌کند. در این نگاه، تفاوت‌های فرهنگی مهاجران (لباس، زبان، موسیقی) نه به‌عنوان تنوع بلکه به‌عنوان تجاوز به هنجارهای گروه مسلط، فهمیده می‌شود. این همان چیزی است که پری آن را ساخت اجتماعی تفاوت برای «حذف و به حاشیه راندن گروه‌های اقلیت» می‌نامد.

راز موفقیت این ساختار اجتماعی در این است که تقریباً نامرئی هستند تا جایی که این تقسیم‌بندی‌ها طبیعی و بدیهی تلقی می‌شوند. این امر یک شکل هژمونیک^۱ دارد و گروه مسلط، ارزش‌ها، باورها و حتی هویت گروه تحت سلطه را به‌گونه‌ای شکل دهد که این گروه، سلطه خود را طبیعی و واضح بداند و این تبعیت از طریق سازمان‌های دولتی، خصوصی و مقامات مجری قانون نیز انجام گشته و به‌طور نظام‌مند از طریق اجرای شیوه‌نامه‌ها و سیاست‌های اجرایی دنبال می‌شود (Walters, 2011: 5-6).

مفروضاتی که درباره اعضای هر دسته وجود دارد، ویژگی‌ها و توانایی‌های خاص هر دسته را مشخص می‌کند. این ویژگی‌ها اغلب در قالب یک دوگانگی تعریف می‌شوند، به‌طوری که ساخت اجتماعی یک دسته، به‌طور ضمنی ساخت اجتماعی دسته‌ای با ویژگی‌های متضاد را نیز شکل می‌دهد. از این رو در فرایند شکل‌گیری هویت «خود»، هویت «دیگری» نیز به‌عنوان نقطه مقابل آن ساخته می‌شود. در نتیجه مفهوم تفاوت از تعلق افراد به گروه‌هایی ناشی می‌شود که اعضای آن، خود را دارای ویژگی‌های هویتی مشترک می‌دانند. در این وضعیت، برچسب‌های منفی به تمامی اعضای گروه متفاوت تعمیم داده می‌شود و همه آنان به‌عنوان عناصری تهدیدآمیز تلقی می‌شوند؛ به‌گونه‌ای که حتی از دریافت غذای نذری از اعضای گروه مقابل نیز خودداری می‌شود.

«یک بار من برای دادن غذای نذری پیش همسایه رفتم، به من گفت ما از

افغانی‌جماعت چیزی نمی‌گیریم. من خیلی بابت این حرفش ناراحت شدم و

بغض گلویم را گرفت» (سن: ۲۸، شغل: عدم اعلام، سکونت: ورامین)

تعریف پری، جرائم مبتنی بر نفرت را به‌عنوان فرایند پویای اجتماعی متضمن مفاهیم و ساختار اختصاصی خود می‌داند که نمی‌توان به آن به چشم مشکلی ایستا و ساکن نگریست؛ بزه‌دیدگی ناشی از جرائم مبتنی بر نفرت نباید به‌عنوان یک حادثه در نظر گرفته شود، بلکه باید به‌عنوان جریانی مستمر و پویا دیده شود که می‌تواند واقعیت روزمره زندگی افراد را تشکیل دهد.

۴. تبیین علل و عوامل شکل‌گیری نفرت نسبت به مهاجران

عوامل خطر یا علل جرم در جرائم مبتنی بر نفرت نسبت به مهاجران بسیار مهم هستند که باید به‌درستی شناسایی شوند و به‌طور مؤثر مورد توجه قرار گیرند. یکی از ویژگی‌های تهدید که توجه زیادی را در جرائم مبتنی بر نفرت نسبت به مهاجران به خود جلب کرده، اندازه گروه است که در آن هرچه گروه مهاجران بزرگ‌تر شوند، آستانه تحمل اعضای گروه اکثریت کمتر شده و میزان جرائم

1. Hegemonic

نفرت در آنجا بالا می‌رود (Cikara et al., 2022: 1537). بر این اساس میان عواطف نفرت^۱ و احساسات نفرت‌انگیز^۲ میان‌گروهی و فردی می‌توان تفاوت قائل شد. عواطف نفرت به پاسخ‌های فوری و غریزی مانند خشم به محرک‌های نفرت گفته می‌شود که معمولاً شدید و کوتاه‌مدت‌اند، لیکن احساسات نفرت، ارزیابی‌ها یا نگرش‌های گسترده‌تری هستند که به چیزی تعلق دارند (Plaza-del-Arco et al., 2021: 14). این عوامل گرچه تحت تأثیر عواطف قرار می‌گیرند، اما می‌توانند تحت تأثیر افکار، باورها و تجربیات نیز شکل بگیرند و این تفاوت سبب می‌شود این اشخاص جهت‌گیری عاطفی متفاوتی نسبت به هدف نفرت خود نشان دهند که آن را پر کردن شکاف^۳ می‌نامند که میان سوژه و ابژه^۴ به سمت اهداف و توصیف آنان قرار می‌گیرد (Vendrell Ferran, 2021: 443).

۴. ۱. علل و عوامل روان‌شناختی نفرت؛ از تیپ‌های شخصیتی تا نگرش‌های روانی نفرت

مطالعاتی که بر مبنای شخصیت افراد دارای عقاید نفرت‌انگیز انجام گرفته است، دو تیپ شخصیتی را شامل اقتدارگرایی راست‌گرا^۵ و جهت‌گیری سلطه اجتماعی^۶ که تعصب را در آنان پیش‌بینی می‌کند، معرفی می‌نماید. در این راستا تحقیقات در زمینه ژنتیک رفتاری نشان می‌دهد که ویژگی‌های شخصیتی مرتبط با این شخصیت‌ها، ممکن است توسط تأثیرات ژنتیکی و تجربیات موقعیتی منحصربه‌فرد مرتبط با نفرت تعیین شود. تیپ شخصیتی اقتدارگرایی راست‌گرا، ساختاری مبتنی بر قرارداد و پرخاشگری اقتدارگرایانه است؛ به‌طوری که افراد با این نوع شخصیت معمولاً از ارزش‌های سنتی حمایت می‌کنند، مطیع اقتدار بوده و بسیار قوم‌گرا می‌باشند و در نتیجه به احتمال زیاد در برابر گروه‌های بیرونی نظیر مهاجران، تهاجمی هستند و به آنان به چشم تهدید نگاه می‌کنند. تیپ شخصیتی جهت‌گیری سلطه اجتماعی، ترجیح فرد برای روابط بین گروهی را توصیف و مشخص می‌کند که آیا یک فرد به‌طور کلی روابط برابر یا سلسله‌مراتبی را ترجیح می‌دهد یا خیر. افرادی که جهت‌گیری سلطه اجتماعی بالایی دارند، تمایل دارند سلسله‌مراتب بین‌گروهی را ارتقا دهند و گروه‌های اجتماعی را در سلسله‌مراتب عمودی طبقه‌بندی کنند (Díaz-Faes & Pereda, 2022: 942). این دو عامل می‌توانند به‌عنوان عوامل افتراقی، پیش‌بینی‌کننده نفرت نسبت به گروه‌های بیرونی نظیر مهاجران تلقی شوند که به درک نگرش‌های نفرت‌انگیز کمک می‌کند. به بیان دیگر در اینجا یک تعصب اصلی وجود دارد که تمرکز افراد را بر روی گروه هدف از جمله مهاجران قرار می‌دهد.^۷

«یادم هست یک‌بار برای آگهی استخدام یک کارمند به یک شرکت خصوصی

مراجعه کردم ولی مسئول مصاحبه‌گر آنجا تا دید من از افغانستان هستم، من را رد

کرد و گفت افغانی‌ها چه پیشرفت کردند که به‌جز کارگری به فکر کارای سطح

بالتر هم افتادند» (سن: ۲۸، شغل: کارگر، سکونت: خیابان اسکندری).

جمله «افغانی‌ها چه پیشرفت کردند که به‌جز کارگری به فکر کارای سطح بالاتر هم افتادند» در متن مصاحبه نشان‌دهنده یک تفکر کلیشه‌ای و تحقیرآمیز است که در راستای تیپ‌های شخصیتی مذکور، «افغان‌ها» باید در جایگاه سنتی و از پیش تعیین‌شده خود (یعنی کارگری) باقی بمانند و تلاش برای ارتقا، نوعی شکستن هنجار و تهدید محسوب می‌شود. در اینجا او پیشرفت را حق انحصاری گروه خودی می‌داند و تلاش مهاجر برای ورود به یک موقعیت شغلی سطح بالاتر را نوعی هنجارشکنی تلقی

1. Hate Emotions
2. Hate Sentiments
3. Bridging the Gap
4. Subject and Object
5. Right-Wing Authoritarianism (RWA)
6. Social Dominance Orientation (SDO)

۷. برای مطالعه بیشتر، ر.ک: (Bilewicz et al., 2017: 87-99)

می‌کند. کدگذاری‌های علل روانی را می‌توان به ترس و ناامنی، عوامل شخصیتی و تجارب شخصی پیشین تقسیم نمود؛ بنابراین وضعیت متمایز نفرت در روان‌شناسی به‌عنوان مخرب‌ترین پدیده عاطفی در تاریخ طبیعت انسان، می‌تواند به‌خوبی از ماهیت روانی آن سرچشمه بگیرد و از این منظر نفرت از طریق ارزیابی‌های روانی منفی به‌طور جدایی‌ناپذیری با اخلاق مرتبط است و قضاوت‌های اخلاقی می‌تواند به فرضیه‌های کلیشه‌ای تبدیل گردد (Pretus et al., 2023: 337). از سوی دیگر بررسی روان‌شناختی بزه‌دیدگان جرائم مبتنی بر نفرت، عوامل خطر زیادی را نشان می‌دهد. اکثر این افراد با نشانه‌های اختلال استرس پس از حادثه^۱ روبه‌رو هستند و آسیب‌های روانی آنان می‌تواند بسیار جدی و پیچیده باشد. این افراد ممکن است با احساساتی مانند ترس، اضطراب، افسردگی، خشم و تحمل‌ناپذیری مواجه شوند؛ همچنین احساس شک، عدم امنیت و مشکلاتی در ارتباطات میان‌فردی و اجتماعی از دیگر آسیب‌های روانی بزه‌دیدگان این جرائم محسوب می‌شود که ممکن است منجر به ایجاد ترس از افراد و مکان‌های خاص، مشکلات خواب، اختلالات تغذیه، افزایش مصرف مواد مخدر، الکل و حتی افکار خودکشی شود (Hardy & Chakraborti, 2020: 15-18).

همان‌طور که در جدول (۱) آمده است، بر اساس داده‌های مصاحبه، جرائم مبتنی بر نفرت علیه مهاجران خارجی از سه عامل روانی اصلی نشئت می‌گیرند. نخست، بیگانه‌هراسی (زنوفوبیا) است که ریشه در ترس و ناامنی از تهدیدهای واقعی (مانند رقابت بر سر منابع) و تهدیدهای ادراک‌شده (مانند تغییرات جمعیتی) دارد و مهاجران را به‌عنوان یک عنصر خارجی و خطرناک معرفی می‌کند. عامل دوم، کلیشه‌های منفی است که از تجارب شخصی ناگوار و نبود تعامل مثبت شکل گرفته و چهارچوبی ذهنی برای توجیه رفتارهای خصمانه ایجاد می‌کند و عامل سوم، اقتدارگرایی است که با تکیه بر حس برتری ملی و اعتقاد به سلسله‌مراتب اجتماعی، تلاش مهاجران برای کسب حقوق برابر را تهدیدی برای نظم موجود تلقی کرده و آن را سرکوب می‌کند.

همچنین مطابق جدول (۲) جرائم مبتنی بر نفرت پیامدهای روانی عمیقی برای مهاجران خارجی، به‌ویژه افغانستانی‌ها به همراه دارد که از آسیب‌های اولیه فراتر می‌رود. این حوادث باعث می‌شوند مهاجران اعتماد خود را به محیط از دست داده و فضاهای امن را خطرناک ببینند که این وضعیت به اضطراب شدید، اختلال استرس پس از سانحه، مشکلات خواب و کاهش عزت نفس منجر می‌شود. ترس از نهادهای رسمی، به‌خصوص به دلیل نگرانی از وضعیت اقامت، بسیاری را از پیگیری قانونی باز می‌دارد و آسیب‌پذیری آنها را افزایش می‌دهد. در سطح اجتماعی، این جرائم ترسی فراگیر ایجاد می‌کنند که حتی به افرادی که به‌طور مستقیم قربانی نشده‌اند نیز سرایت کرده و مهاجران را به انزوا می‌کشاند و این جو روانی مانعی جدی برای ادغام اجتماعی آنها شده و به بدبینی متقابل در جامعه دامن می‌زند.

جدول ۱: تحلیل داده‌های حاصل از مصاحبه در عوامل روانی در ایجاد جرائم مبتنی بر نفرت از مهاجران خارجی

زیر مضمون‌های اولیه	زیر مضمون‌های ثانویه	مضمون اصلی
احساس ترس و ناامنی از حضور جمعیتی چندملیتی از مهاجران در ایران	بیگانه‌هراسی (زنوفوبیا) و طرد گرایی نسبت به مهاجران	عوامل روانی در ایجاد جرائم مبتنی بر نفرت از مهاجران خارجی
اضطراب ناشی از تغییرات جمعیتی (این امر در مناطق دارای بافت سنتی مردم بومی بیشتر نمود دارد)		
انسان زدایی مبنی بر طرد مهاجران (مانند این جمله که آنها انسان نیستند و نباید به آنان احترام گذاشت)		

زیر مضمون‌های اولیه	زیر مضمون‌های ثانویه	مضمون اصلی
ایجاد ترس از تسخیر کشور توسط مهاجران (مانند ترس از تعداد بالای زادوولد مهاجران افغانستانی در ایران و افزایش جهشی جمعیت آنان)	کلیشه‌های ذهنی منفی نسبت به مهاجران	
تجارب شخصی منفی پیشین از مواجهه با مهاجران (مانند نفرت یکی از مصاحبه‌شوندگان به دلیل مزاحمت یکی از مهاجران افغانستانی برای همسر وی در سال‌های گذشته)		
شکل‌گیری پیش‌داوری منفی از حضور مهاجران		
فقدان تعامل مثبت با مهاجران در ایجاد کلیشه‌های منفی در ذهن (به‌عنوان نمونه در یکی از مصاحبه‌ها فرد دارای عقاید نفرت‌زا پس از موافقت پیشنهاد پژوهشگر مبنی بر دیدار با یکی از مهاجران و هم‌صحبت شدن با آنان، از نفرت خود عقب‌نشینی کرده و نظرات مثبت‌تری را نشان می‌دهد)		
کلیشه‌هایی منفی مبتنی بر رواج بیماری و عدم رعایت بهداشت در مهاجران	اقتدارگرایی	
قوم‌گرایی و ملی‌گرایی افراطی نسبت به مهاجران		
اعتقاد به سلسله‌مراتب بین گروهی میان مهاجران و مردم کشور میزبان (مانند اعتقاد یکی از مصاحبه‌شوندگان به اینکه مهاجران افغانستانی حق کارفرما شدن در ایران را نباید داشته باشند)		
مطیع اقتدار بودن (تفکر اینکه همه مهاجران باید مطیع ایرانیان بوده و نباید در برابر مردم کشور ایران اظهار برتری نمایند)		

جدول ۲: تحلیل داده‌های حاصل از مصاحبه در اثرات روانی جرائم مبتنی بر نفرت در مهاجران خارجی

زیر مضمون‌های اولیه	زیر مضمون‌های ثانویه	مضمون اصلی
احساس آسیب‌پذیری و ناامنی مداوم (هدف قرار دادن ۳ مصاحبه‌شونده از مهاجران در مکان‌هایی است که قبلاً احساس امنیت در آنها می‌کرده‌اند، تأثیرات روانی عمیقی مبتنی بر ناامنی مداوم در آنان گذاشته است.)	اثرات روانی فردی نفرت (ایجاد تروماهای مختلف)	اثرات روانی جرائم مبتنی بر نفرت در مهاجران خارجی
ایجاد اضطراب فردی در مهاجران		
مشکلات مربوط به عزت نفس		
ایجاد اختلال‌های استرس پس از سانحه (PTSD) (این امر در مصاحبه‌شوندگان مهاجر دارای سابقه نزاع و درگیری قبلی با محوریت مهاجر بودنشان محسوس بوده و بازخوانی صحنه مورد نفرت واقع شدن و احساس ترس از تکرار آن وقایع در حدود نیمی از مصاحبه‌ها به چشم می‌آید)		
ترس از گزارش موارد غیرقانونی به مراجع رسمی به دلیل در خطر افتادن وضعیت اقامتی		
تلاش برای پنهان کردن هویت اصلی در مهاجران (مانند پوشیدن عینک آفتابی بزرگ یکی از مصاحبه‌شوندگان مهاجر افغانستانی برای عدم شناخت هویت وی از روی چشمان کشیده‌اش در برخی از مناطق عمومی)	اثرات روانی اجتماعی نفرت	
ایجاد اضطراب اجتماعی در مهاجران		
ایجاد ارباب گروهی در مهاجران (مانند ترس برخی از مهاجران از مورد سوءقصد قرار گرفتن مبتنی بر نفرت بدون داشتن تجربه قبلی و بر اساس اتفاقات گذشته نسبت به هم‌وطنان آن‌ها)		

زیر مضمون‌های اولیه	زیر مضمون‌های ثانویه	مضمون اصلی
تأثیر در روابط دوستانه مهاجران با ایرانیان		

۴.۲. علل و عوامل فرهنگی و اجتماعی نفرت؛ از ریشه‌های فرهنگی تا برساخت‌های اجتماعی

افرادی که هویت و ویژگی‌های فرهنگی و اجتماعی متفاوتی از هنجارهای هژمونیک دارند، اغلب به‌عنوان تهدیدی برای فرهنگ مسلط تلقی می‌شوند و این احساس تهدید، با افزایش حضور و نمایان‌تر شدن گروه‌های هویتی خاص در جامعه، تشدید می‌شود. تفاوت در سنت‌های فرهنگی، آداب‌ورسوم و شیوه‌های زندگی می‌تواند از سوی بسیاری از اعضای گروه اکثریت، توهینی به ارزش‌های فرهنگی و تهدیدی علیه مدنیت آنان تلقی شود. چنین برداشتی، هنجارهای فرهنگی و احساس امنیت هستی‌شناختی بسیاری از افراد را متزلزل می‌سازد و در پی آن، اعضای گروه مسلط به ایجاد سازکارهایی برای سرکوب تحرک فرهنگی و اجتماعی گروه‌های دیگر روی می‌آورند. در این چهارچوب، جرائم مبتنی بر نفرت درصدد تثبیت این اطمینان است که مهاجران، به‌عنوان گروه اقلیت، از مرزهای ارزش‌های فرهنگی و اجتماعی جامعه اکثریت فراتر نروند و از طریق ارتکاب این جرائم، چنین پیامی به آنان و گروه متبوعشان منتقل می‌شود.

کدگذاری‌های این عوامل در مصاحبه‌ها را می‌توان به تهدید فرهنگی، کلیشه‌سازی و ساختار اجتماعی بر مبنای نفرت تقسیم‌بندی کرد. در این راستا نفی خود مهاجران در فرایند دیگری شدن نیز موجب آسیب‌های اجتماعی فراوانی می‌گردد و آنان را از ماهیت اصلی خود محروم می‌سازد. جرائم مبتنی بر نفرت بیشتر در اثر موقعیت، فرصت و تحریکات افراد در مکان‌های مختلف ناشی می‌شود و تعصبات در زیر پوست شهر را نمایان می‌سازد. در یک نمونه، پخش موسیقی و ترانه‌های مهاجران به زبان مادری آنان در یک مکان عمومی، می‌تواند به‌سرعت واکنش نفرت‌آمیز مردم محلی را برانگیزد؛ زیرا آنان این امر را تهدیدی برای فرهنگ و هنر کشور خود تلقی می‌کنند.

«این افغانی‌ها رو می‌بینم که با اون آداب‌ورسوم عجیب و غریبشون همه‌جا رو

گرفتن، یه جوری میشم، اینا فرهنگ ما رو زیر پاشون له می‌کنند و وجودشون

یک تهدید مستقیم برای هویت ماست» (سن: ۳۲، شغل: عدم اعلام، سکونت:

عدم اعلام).

نقش ادیان، مذاهب مختلف و نمادهای متعدد و متنوع دینی به‌عنوان نمادهای فرهنگی نیز در ایجاد نفرت از مهاجران حائز اهمیت است (دارابی، ۱۳۹۵: ۶۴). این امر بر مسلمانان مهاجر نیز تأثیر گذاشته است به‌گونه‌ای که هویت آنان در نتیجه اسلام‌هراسی^۱ به‌طور مکرر دچار چالش‌های فراوان می‌شود و رفته‌رفته به نفرت از افرادی با ظاهر مسلمان‌گونه می‌رسد. در گزارش تجربه‌های مربوط به جرائم مبتنی بر نفرت علیه مهاجران با انگیزه نفرت مذهبی، رفتارهایی همچون توهین‌های مکرر، پرتاب زباله به منازل مسلمانان، انداختن مدفوع در صندوق پستی، نگارش شعارهای نفرت‌آمیز، ارسال نامه‌های نفرت‌انگیز، ضرب‌و‌شتم و اشکال گوناگون خشونت مشاهده می‌شود. در یک نمونه، فردی با حمله به مغازه فردی پیرو آیین سیک، به دلیل شباهت ظاهری این فرد با مسلمانان، او را مسلمان انگاشته و شیشه‌های مغازه وی را شکسته و با ایراد الفاظی موهن به تروریست بودن مسلمانان اشاره می‌کند و خواهان بازگشت مسلمانان به کشور خود است (Awan & Zempi, 2020: 9). این وضعیت به‌خوبی نشان می‌دهد که نفرت از مهاجران مسلمان، در برخی موارد تا آنجا گسترش می‌یابد که حتی افرادی که مسلمان نیستند، صرفاً به دلیل داشتن ظاهری مسلمان‌گونه مانند ریش یا پوشش مذهبی،

1. Islamophobia

هدف جرائم مبتنی بر نفرت قرار می‌گیرند. در همین راستا اقدامات گروه‌های تروریستی با عقاید افراطی اسلامی، زمینه شکل‌گیری نگرشی را فراهم می‌کند که بر اساس آن مهاجران مسلمان از نگاه برخی، به‌عنوان «جامعه‌ای مظنون»^۱ تلقی می‌شوند (لويس، ۱۳۹۹: ۱۶۰-۱۶۵).

جدول (۳) در تحلیل یافته‌های مصاحبه نشان می‌دهد که جرائم مبتنی بر نفرت علیه مهاجران خارجی در بُعد فرهنگی و اجتماعی، ریشه در ساخت یک هویت دوقطبی «ما» در برابر «آنها» دارد و این مرزبندی، مهاجران را به‌عنوان یک «دیگری» تهدیدآمیز، رقیب و ناسازگار معرفی می‌کند که زمینه را برای رفتارهای غیرانسانی فراهم می‌آورد. چنین هویتی از طریق باورهای عمیق فرهنگی و اجتماعی، حافظه تاریخی، ساختارهای طبقاتی، سنت‌های خانوادگی و حتی شوخی‌های روزمره مشروعیت یافته و نفرت را در جامعه عادی‌سازی می‌کند.

همچنین همان‌طور که در جدول (۴) آمده است، جرائم مبتنی بر نفرت، با ایجاد و تشدید تنش‌های متقابل، جامعه را به دو قطب «ما» (مهاجران) و «آنها» (جامعه میزبان) تقسیم کرده و این شکاف ممکن است به «تبعیض دوسویه» و حتی «حس دشمنی» بینجامد. یافته‌های پژوهشی نشان می‌دهد که این تنش‌ها به‌صورت یک چرخه عمل می‌کنند؛ به‌طوری که کنش نفرت‌پراکنانه از سوی جامعه میزبان، واکنش تدافعی و گاه خصمانه برخی مهاجران را در پی دارد. این چرخه به تعمیق شکاف‌ها منجر شده و چشم‌انداز یک جامعه یکپارچه و منسجم را به‌شدت تهدید می‌کند.

جدول ۳: تحلیل داده‌های حاصل از مصاحبه در عوامل فرهنگی و اجتماعی ایجاد جرائم مبتنی بر نفرت از مهاجران خارجی

زیر مضمون‌های اولیه	زیر مضمون‌های ثانویه	مضمون اصلی
ایجاد اتحاد بر ضد مهاجران در امور اجتماعی (مانند نفروختن اجناس به مهاجران افغانستانی توسط یکی از مغازه‌داران مصاحبه‌شونده)	ایجاد هویت ما در برابر آن‌ها	عوامل فرهنگی و اجتماعی ایجاد جرائم مبتنی بر نفرت از مهاجران خارجی
ناسازگاری فرهنگی و تهدید بودن این مسئله		
دشمن دانستن مهاجران در رقابت‌های اجتماعی (مانند کسب موقعیت اجتماعی برتر)		
تشویق به همراهی بیشتر مردم برای نفرت ورزیدن به مهاجران توسط افراد ضد مهاجر		
وجود شوخی‌های حمایت‌شده (مانند طنزهای منفی در خصوص مردم افغانستان)	فولکلورهای مبتنی بر نفرت از مهاجران	
وجود برخی از ساختارهای فرهنگی و اجتماعی مبتنی بر برتری نسبت به مهاجران افغانستانی و ایجاد خشونت در صورت تعدی از آن (مانند تصور اینکه مردم افغانستان را فقط می‌توان برای مشاغل کارگری که ایرانی‌ها حاضر به کار کردن در آن نیستند به کار گرفت)		
حافظه جمعی یک جامعه درباره جنگ و بازتولید نفرت در فولکلور در خصوص آن کشور و مردمان آن (مانند نمود نفرت از مهاجران عراقی به دلیل سابقه جنگ تحمیلی ایران با عراق و شهید شدن بستگان آنان)		
مشروعیت داشتن خشونت و نفرت از مهاجران در سنت‌های خانوادگی		
تقویت کلیشه‌های منفی در رسانه‌ها (مانند تیترهای خبری اغواکننده در خصوص مهاجران افغانستانی)	بازنمایی رسانه‌ای مشوق و محرک نفرت	

1. Suspect Community

		بزرگ‌نمایی اخبار منفی در خصوص مهاجران (مانند انتشار پیوسته اخبار مربوط به بزهکاری مهاجران افغانستانی در رابطه با جرائم خرد و پیش‌پاافتاده، بدون ارائه آمار مقایسه‌ای با جمعیت بومی)
		تشویق و تحریک مردم در برخی از کانال‌های مجازی بر اقدام علیه مهاجران

جدول ۴: تحلیل داده‌های حاصل از مصاحبه در تأثیرات فرهنگی و اجتماعی جرائم مبتنی بر نفرت در مهاجران خارجی

زیر مضمون‌های اولیه	زیر مضمون‌های ثانویه	مضمون اصلی	
گسترش تنش‌های متقابل میان مهاجران و مردم ایران (مانند کنایه‌های طعنه‌آمیز به وضعیت کیفیت خودروهای داخلی در ایران یا بالا رفتن ارزش پول افغانی در برابر ریال در یکی از مصاحبه‌ها در جواب طعنه‌های فرد اهانت کننده که خواستار بازگشت وی به افغانستان است)	قطبی‌سازی اجتماعی	تأثیرات فرهنگی و اجتماعی جرائم مبتنی بر نفرت در مهاجران خارجی	
			ایجاد حس دشمنی در برخی از مهاجران (شایان ذکر است عده زیادی از مهاجران مصاحبه‌شونده نسبت به مردم ایران باوجود این قضایا حس خیلی خوبی داشته و نسبت به پذیرش آنان در کشورشان قدردان بودند و فقط در یک مصاحبه حس دشمنی ناشی از سرخوردگی دائمی شکل گرفته بود)
			ایجاد تبعیض دوسویه میان مهاجران و مردم بومی
	تقویت حس انزوای اجتماعی		کاهش اعتماد به ایرانیان نزد برخی از مهاجران به سبب عداوت‌های گذشته
			تلاش برای مخفی کردن نمادهای فرهنگی کشور مادری مهاجران
احساس عدم تعلق و افتخار به حضور در کشور ایران			
عدم تمایل به حضور در محیط‌های اجتماعی شلوغ (به دلیل افزایش ریسک مشاجره و ادبیات نفرت‌زا)			
تأثیر منفی در ارتباط سازنده نسل‌های آینده مهاجران در کشور			

۴. ۳. علل و عوامل اقتصادی نفرت؛ از رقابت‌های اقتصادی تا بیکاری‌های نفرت‌انگیز

رقابت درک‌شده در بازار کار منجر به این فرضیه می‌شود که خشونت و نفرت نسبت به مهاجران در زمینه‌هایی با بیکاری یا محرومیت اقتصادی بالاتر محتمل‌تر است و به‌طور معمول شهروندان کم‌مهارت نگرش منفی قوی‌تری نسبت به آنها ابراز می‌کنند، هرچند در استدلالی انتقادی بیان می‌شود که این مبنا بر این واقعیت استوار است که بومیان کم‌مهارت بیشتر در معرض رقابت با مهاجران کم‌مهارت قرار دارند و بومیان با مهارت بالا در برابر مهاجران ماهر و با مهارت قرار می‌گیرند (Liebe & Schwitter, 2021: 8).

هرچه نرخ بیکاری در یک منطقه بالاتر باشد، احتمال حملات خشونت‌آمیز از روی نفرت به مهاجران و اقامتگاه‌های آنان بیشتر می‌شود و تأثیر نرخ بیکاری بر حملات خشونت‌آمیز به مهاجران در مناطقی با شرایط اقتصادی بهتر کمتر است (Ibid). بر اساس پژوهشی کمّی از تأثیر وضعیت اقتصادی و بیکاری بر افزایش جرائم مبتنی بر نفرت با در نظر گرفتن متغیرهای مختلف مانند سهم مهاجران، تراکم جمعیت و درآمد خالص مردم محله، نتایج نشان‌دهنده این موضوع است که افزایش ۱ درصدی بیکاری در گروه سنی ۲۵ تا ۶۴ سال، منجر به افزایش ۴/۷۷ درصدی جرائم مبتنی بر نفرت نسبت به مهاجران در این گروه می‌شود. همچنین افزایش ۱ درصدی جمعیت مهاجران با افزایش بیش از ۲

درصدی این جرائم همبستگی دارد و این افزایش در گروه سنی ۱۶ تا ۲۴ سال با ضریب بیشتری دیده می‌شود (Sjöholm, 2016: 15-20).

میل به دفاع از جایگاه اقتصادی در تنش‌های مالی در برابر گروه‌های دیگر نظیر مهاجران، می‌تواند احساس خشم، نفرت و ترس را در افراد ایجاد کند و آنها را به سمت اتهام‌زنی و واکنش متقابل نفرت‌انگیزانه به بیگانگان سوق دهند تا به این ترتیب اضطراب‌های خود را در تهدیدشوندگی توسط مهاجران کاهش دهند. افراد بیکار و کسانی که از نظر اقتصادی در شرایط نامناسبی قرار دارند، بیشتر مستعد احساس ناامنی و سرخورده‌گی هستند و این احساسات می‌تواند به صورت پرخاشگری و خشونت علیه گروه‌های اقلیت بروز کند. در بسیاری از مصاحبه‌های شخصی گرفته‌شده، متغیرهای اقتصادی از عوامل مهم نفرت به مهاجران افغانستانی در ایران به شمار می‌رود. در سال‌های اخیر ورود حجم زیادی از مهاجران افغانستانی به ایران^۱ و وجود مشکلات اقتصادی، سبب گشته است تا بسیاری از ایرانیان حضور این مهاجران را تهدیدی علیه آسایش اقتصادی خود قلمداد کنند. کدگذاری‌های عوامل اقتصادی در مصاحبه‌ها را می‌توان در نابرابری، محرومیت اقتصادی، رقابت‌های اقتصادی و بحران‌های مالی تشریح کرد و این عوامل نمود زیادی دارد. در مصاحبه‌ای دیگر، یک شهروند ایرانی با نشان دادن کلیپی در تلفن همراه خود درباره ساخت بیمارستانی مجهز در افغانستان، اهدایی از سوی ایران، واکنشی منفی و همراه با نفرت نسبت به مردم افغانستان نشان داده است. وی با اشاره به ساخت این بیمارستان در شرایطی که به گفته او در برخی مناطق کشور به دلیل کمبود بودجه و نبود امکانات درمانی، مردم با مشکلات جدی درمانی و مالی مواجه‌اند، مخالفت و احساس نفرت خود نسبت به مردم افغانستان و مهاجران خارجی در ایران را ابراز می‌کند.

«این کلیپ را ببینید. ببینید پول ما کجا خرج می‌شود. در افغانستان بیمارستان مجهز می‌سازند، آن‌هم در حالی که مردم خودمان در بسیاری از شهرها از داشتن یک بیمارستان درست و حسابی محروم هستند. در شهرهایی که مردم برای یک دکتر متخصص باید ساعت‌ها راه بروند و آخر هم دستشان به جایی نرسد، آقایان برای افغان‌ها بیمارستان می‌سازند. وقتی این چیزها را می‌بینم، خونم به جوش می‌آید. ما خودمان درگیر هزار مشکل درمانی و مالی هستیم. برای یک عمل ساده مردم باید زندگی‌شان را بفروشند، آن‌وقت بودجه مملکت صرف ساخت‌وساز در یک کشور دیگر می‌شود. کشوری که مهاجرانش اینجا را پر کرده‌اند و از امکانات ما استفاده می‌کنند.» (سن: ۲۹، شغل: بازار، سکونت: اسلامشهر)

در شرایط اقتصادی نامطلوب‌تر، اعتماد مردم کشور میزبان به حضور بیگانگان کاهش می‌یابد و وجود تفاوت‌های اساسی نیز بر تقویت نگاه «دیگری‌سازی» تأثیرگذار است.

«از این افغانیای *** متنفرم. همه‌شون مقصرن که من از کار بیکار شدم. اون صاحب‌کار فلان‌فلان شده منو انداخت بیرون، چون این افغانیا با پول کمتر و بدون بیمه براش جون می‌کنند. *** اومدن جای ما کارگرای ایرانی رو گرفتن و نون ما رو آجر کردند. حق ما رو خوردن.» (سن: ۳۵، شغل: کارگر، سکونت: کهریزک)

همچنین بهره‌مندی از یارانه غیرمستقیم (همچون نان) بدون پرداخت عوارض و مالیات و استفاده از منافع کشور (مانند وسایل حمل‌ونقل عمومی) توسط مهاجران غیرقانونی که در سایه نبود

۱. به گفته معاون استاندار تهران، طی دو سال اخیر بیش از یک میلیون نفر از اتباع خارجی به جمعیت استان تهران اضافه شده است که نشان از افزایش معنادار جمعیت مهاجران خارجی در ایران است. رک:

<https://ettelaat.com/xysJ>

نظارت دقیق مرزی وارد کشور شده و ماندگار شده‌اند، باعث بروز نفرت در برخی از ایرانیان شده است که در چند مورد از مصاحبه‌ها این مسئله توجیه می‌گردد. از سوی دیگر در مصاحبه با مهاجران افغانستانی، آنان به نقش پررنگ خود در بازار کار ایران، سرمایه‌گذاری خارجی در کشور و حضور در مشاغل که ایرانی‌ها حاضر به کار در آن دسته‌های شغلی نیستند، اشاره می‌کنند.

بیکاری، بی‌ثباتی اقتصادی و عدم تجانس فرهنگی در کنار ناامیدی درونی، از محرک‌های قوی و فشارهایی می‌تواند محسوب شود که حس خشم نسبت به گروه مهاجران را برانگیزد، آنان را مسئول این ناکامی‌ها معرفی نماید و اقدام به حاشیه راندن آنان کند. در یک نمونه از فشار ایجادشده در کشور انگلیس هنگامی که روزنامه انگلیسی سان^۱ مطلبی را درخصوص خانه‌دار کردن مهاجران بی‌پول توسط شورای شهر منتشر نمود، این شورا با صدها تماس تلفنی تهدیدآمیز روبه‌رو گردید که در آن شهروندان با خشم از خانه‌دار کردن مهاجران در عین بی‌خانه بودن بسیاری از شهروندان انگلیسی، از نفرت خود نسبت به حضور مهاجران خبر دادند (Walters, 2011: 7).

مطابق جدول (۵) ریشه‌های اقتصادی جرائم مبتنی بر نفرت علیه مهاجران خارجی، محصول پیچیده‌ای از فشارهای اقتصادی مانند شغل و مسکن در سطوح گوناگون فردی، محلی و ملی است که این شرایط درنهایت به بروز رفتارهای مجرمانه علیه گروهی می‌انجامد که به‌عنوان «دیگری» و عامل مشکلات معرفی می‌گردند. در گام بعد، این نفرت با احساس استفاده ناعادلانه از منابع عمومی و یارانه عمومی (مانند یارانه نان) تقویت می‌شود^۲ و در گام سوم تمرکز جغرافیایی مهاجران در برخی از مناطق، فشار محسوسی بر زیرساخت‌های محلی مانند مدارس، بیمارستان‌ها و حمل‌ونقل وارد می‌کند که به‌نوبه خود باعث ایجاد و تشدید نگرش‌های منفی نسبت به مهاجران می‌شود.

جدول (۶) نیز یک زنجیره علت و معلولی قدرتمند را به تصویر می‌کشد که این زنجیره با یک تأثیر روانی (بی‌اعتمادی) آغاز گشته، سپس به یک تصمیم رفتاری (کاهش مشارکت) منجر شده و درنهایت به یک اقدام مالی ویرانگر (خروج سرمایه) ختم می‌شود. این بدان معناست که خسارت اقتصادی ناشی از این جرائم، نه یک رویداد واحد، بلکه فرایندی تدریجی و فزاینده است که ابتدا در آن پتانسیل‌های اقتصادی آینده (سرمایه‌گذاری جدید) از دست می‌رود و سپس سرمایه‌های موجود نیز کشور را ترک می‌کنند.

1. The Sun Newspaper

۲. درخصوص سرانه مصرف نان توسط اتباع خارجی در کشور ایران، آمارهای مختلفی وجود دارد که اغلب تخمینی و هرکدام به نحوی قابل نقد است و نیاز به شفاف‌سازی و اعلام آمارهای رسمی توسط نهادهای مرتبط در این زمینه احساس می‌شود. به‌طور مثال در ادعایی از یک تحلیلگر مسائل اقتصادی به مصرف روزانه ۳۰ میلیون قرص نان در روز توسط اتباع خارجی با بررسی‌های میدانی اشاره می‌شود که به جهت ابهام در طریق بررسی میدانی و حصول به این آمار و عدم راستی‌آزمایی، آمارهای اعلامی قابل نقد است و برخی از خبرگزاری‌های داخلی نیز در جواب این آمار، آمار واقعی را حدود ۱۶ میلیون قرص نان به‌طور تخمینی دانسته‌اند (ر.ک: <https://irna.ir/xjV98s>). همچنین وزیر کشور دولت چهاردهم در سخنانی به کاهش ۶ درصدی مصرف نان پس از خروج اتباع اشاره می‌کند که در عین احتمال صحیح بودن این گزاره که کاهش جمعیت مصرف‌کننده منجر به افت تقاضا در سطح کلان خواهد شد - به جهت داشتن مغالطه همبستگی و علیت و تعاقب که در آن فرض می‌شود چون رویدادی پس از رویداد دیگر اتفاق افتاده است، پس رویداد اول صرفاً علت رویداد دوم بوده است - قابل تأمل می‌باشد. در اینجا تأثیر سایر عوامل در این کاهش ۶ درصدی کامل نادیده انگاشته شده و به‌عنوان نمونه نقطه اتکای این آمار به کاهش میزان تراکنش‌های حاصل از کارتخوان‌های موجود در نانوایی‌ها است، در حالی که در تابستان ۱۴۰۴ هم‌زمان با خروج اتباع خارجی، کشور ایران با قطعی‌های مکرر برق، گاهی ۴ ساعت در روز مواجه بود که به‌تبع آن میزان پخت نان را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد و می‌تواند موجب کاهش میزان پخت شود (ر.ک: asriran.com/004RzE). همچنین با در نظر گرفتن تغییرات فصلی و میزان مصرف نان، در همان ایام قیمت نهایی نان بین ۳۰ تا ۵۲ درصد گران می‌شود که خود می‌تواند در صرفه‌جویی بیشتر مردم تأثیرگذار قلمداد شود (ر.ک: mehrnews.com/x38Gmy). علاوه بر این نکته مهمی مغفول مانده است که این آمار چگونه محاسبه شده است؟ آیا مربوط به کل کشور است یا فقط استان‌های مهاجرپذیر؟ آیا آمار قبل از کاهش در مقایسه با دوره مشابه سال قبل است یا نسبت به قبل از خروج اتباع؟ که جواب هرکدام از این موارد می‌تواند تفاوت معناداری را ایجاد نماید و بیان این آمارها بدون جزئیات بیشتر حالت برچسب‌زنی پیدا می‌کند.

جدول ۵: تحلیل داده‌های حاصل از مصاحبه در عوامل اقتصادی ایجاد جرائم مبتنی بر نفرت از مهاجران خارجی

زیر مضمون‌های اولیه	زیر مضمون‌های ثانویه	مضمون اصلی
رقابت در بازار کار و رقیب دانستن مهاجران بر سر پیدا کردن شغل مناسب (این امر در کارگاه‌های مناطق پرمهاجر مانند باقرشهر که مهاجران زیادی برای کار کردن در آن داوطلب هستند، به‌وضوح باعث افزایش تنش‌های بیشتری شده است)	رقابت‌های اقتصادی با مهاجران	عوامل اقتصادی در ایجاد جرائم مبتنی بر نفرت از مهاجران خارجی
رقابت بر سر پیدا کردن مسکن مناسب		
بی‌ثباتی اقتصادی و افزایش تورم در ایران و به‌تبع آن افزایش تنش‌های اقتصادی به سبب محرومیت‌های اقتصادی مردم ایران		
تمایل برخی از کارفرمایان به استخدام اتباع خارجی (در مصاحبه با کارگری ایرانی، وی علت نفرت خود به مهاجران خارجی را به عدم ادامه همکاری کارگاهی که در آن کار می‌کرده است، می‌داند و مدعی است که به دلیل اشتغال مهاجران افغانستانی با درآمد کمتر و عدم نیاز به بیمه، کارفرما به استخدام آنان علاقه نشان می‌دهد و این مهاجران جای برخی از کارگران ایرانی را گرفته‌اند)		
استفاده مهاجران از یارانه انرژی (مانند آب، برق و گاز)	استفاده از منابع و انرژی کشور توسط مهاجران	عوامل اقتصادی در ایجاد جرائم مبتنی بر نفرت از مهاجران خارجی
استفاده مهاجران از یارانه کالاهای اساسی (برخی از مصاحبه‌شوندگان به استفاده مهاجران افغانستانی از نانواپی‌ها برخلاف الگوی مصرف ایرانیان واکنش نشان داده و به‌طور نمونه گرفتن بیش از صد عدد نان به‌یک‌باره توسط برخی از مهاجران در آنان حس غارت یارانه نان را در کشورشان ایجاد کرده است.		
فشار بر منابع عمومی		
ترس از کمبود منابع (مانند آب، غذا یا انرژی)		
عدم پرداخت عوارض و مالیات (این امر در مهاجران غیرقانونی جایگاه ویژه‌تری برای تنش دارد؛ چراکه هم‌اکنون مطابق اظهارنظرهای مسئولین جمعیتی میلیونی از مهاجران افغانستانی به‌طور غیرقانونی در کشور حضور دارند که بدون پرداخت مالیات و عوارضی از برخی از منابع کشور استفاده می‌کنند)		
بالا رفتن تنش‌های عمومی و نفرت به جهت فشار بر زیرساخت‌ها مانند مدارس، بیمارستان‌ها و...	تمرکز جغرافیایی مهاجران در مناطق کم‌درآمدتر (مانند مناطق جنوبی تهران)	عوامل اقتصادی در ایجاد جرائم مبتنی بر نفرت از مهاجران خارجی
کاهش سرمایه‌گذاری ایرانیان به دلیل عدم خوش‌بینی به آینده محله‌های پرمهاجر و خروج برخی از مردم بومی به دلیل عدم تحمل زندگی در کنار حجم زیادی از مهاجران که آنان را مقصر در وضع موجود می‌دانند		
ایجاد فشار مضاعف به دلیل ناتوانی مالی مردم در مناطق کم‌برخوردار (در این حالت ساکنان بومی که اغلب خودشان نیز از نظر اقتصادی تحت‌فشار هستند، ممکن است احساس کنند که باید برای همین منابع محدود در منطقه‌شان با تازه‌واردان مهاجر رقابت کنند)		

جدول ۶: تحلیل داده‌های حاصل از مصاحبه در تأثیرات اقتصادی جرائم مبتنی بر نفرت در مهاجران خارجی

زیر مضمون‌های اولیه	زیر مضمون ثانویه	مضمون اصلی
ایجاد شکاف و بی‌اعتمادی مهاجران در سرمایه‌گذاری در داخل کشور	کاهش سرمایه‌گذاری و فعالیت اقتصادی مهاجران در کشور	تأثیرات اقتصادی جرائم مبتنی بر نفرت در مهاجران خارجی
کاهش مشارکت اقتصادی در داخل کشور		

خروج سرمایه به خارج از کشور		
-----------------------------	--	--

۴. علل و عوامل سیاسی نفرت؛ از ملاحظات سیاسی تا رقابت‌های حزبی

عوامل سیاسی نیز می‌توانند به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم بر شکل‌گیری و تشدید نفرت و درنهایت وقوع جرائم تأثیر بگذارند. قدرت‌های سیاسی همواره مهاجران را به چشم ابزاری برای برنده شدن در رقابت‌های انتخاباتی نگاه می‌کنند و برنده شدن آنان می‌تواند در زندگی مهاجران تأثیرگذار باشد. رسانه‌های اجتماعی نیز به‌عنوان ابزاری در اختیار قدرت‌های سیاسی، اخباری را به‌گونه‌ای هدایت و منتشر می‌کنند که منافع صاحبان قدرت را تأمین کند. رقابت‌های سیاسی درخصوص سیاست‌های مهاجرتی موجب می‌گردد تا برخی از گروه‌های سیاسی ضدمهاجر با بزرگ‌نمایی به پوشش اخبار مرتبط با آنان پردازند و با انتخاب تیترو متن‌های خبری تحریک‌کننده، به حضور مهاجران واکنش نشان دهند. همچنین نمی‌توان از نقش فزاینده و قابل توجه سیاست‌های راست افراطی^۱ در سطح جهانی غافل شد. این جریان‌های سیاسی که در سال‌های اخیر در بسیاری از کشورها قدرت گرفته‌اند، اغلب بر مبنای ملی‌گرایی افراطی، عوام‌فریبی و بیگانه‌ستیزی بنا شده‌اند و در تبلیغات و برنامه‌های سیاسی خود تمایل دارند تا مهاجران را به‌عنوان تهدیدی برای هویت ملی، فرهنگ، امنیت یا اقتصاد کشور میزبان معرفی کرده و روایتی منفی از حضور آنها ارائه دهند. چنین گفتگویی می‌تواند منجر به عادی‌سازی پیش‌داوری‌ها و کلیشه‌های منفی علیه گروه‌های مهاجر شده و فضایی را ایجاد کند که در آن ابراز نفرت و حتی ارتکاب اقدامات خشونت‌آمیز علیه آنها تسهیل یا توجیه گردد.

از زمان انتخاب دونالد ترامپ^۲ به‌عنوان رئیس‌جمهور ایالات متحده (۲۰۱۶) و شعارهای ضد مهاجرتی کمپین‌های وی، کشور آمریکا نیز شاهد افزایش جرائم مبتنی بر نفرت نسبت به مهاجران بوده است^۳ (Warren-Gordon & Rhineberger, 2021: 38-42). این امر با آغاز انتخاب مجدد وی به‌عنوان رئیس‌جمهور آمریکا در سال ۲۰۲۴ با چالش‌های جدیدی روبه‌رو گشته است. وی در یکی از سخنرانی‌های خود با اشاره به حضور مهاجران هائیتی در شهر اسپرینگفیلد^۴ از آن به ویران کردن شهر تعبیر می‌کند. جی.دی ونس^۵ معاون اول وی نیز حضور مهاجران را با افزایش جنایت و بیماری در این کشور مرتبط می‌داند (Levine, 2024). این اظهارات غیر مستند و غیرمنطقی در میان مردم می‌تواند تأثیر شگرفی داشته باشد و باعث شود آنان، مهاجران را مسئول تمامی جنایات بدانند. کدگذاری‌های عوامل سیاسی نیز مواردی همچون رقابت‌های سیاسی، مدیریت رسانه‌ای توسط سیاستمداران و سیاست‌های تبعیض‌آمیز را نشان می‌دهد که نقش این عوامل در تحریک مردم انکارناپذیر است. همچنین این امر در تبعیض‌های ساختاری و سیاست‌های محدودکننده مهاجران نیز نمود دارد که در مصاحبه‌ها بازتاب پیدا می‌کند.

«سال‌هاست که به‌عنوان مهاجر اینجا قانونی کار می‌کنم و مالیات می‌دهم، اما

حالا که فرزندم می‌خواهد از تسهیلاتی استفاده کند، به‌محض شنیدن اینکه از

اتباع خارجی است، می‌گویند چون اتباع هستیم، شامل خدمات نمی‌شویم. انگار

1. Far-Right Politics

2. Donald Trump

۳. به‌عنوان نمونه، در شهر بوستون دو مرد در راه بازگشت به خانه هنگامی که با مهاجری مکزیکی روبه‌رو می‌شوند، اقدام به ضرب و شتم وی با لوله فلزی، ادرار کردن بر روی شخص و ایراد توهین‌های نژادپرستانه می‌کنند؛ در حالی که پس از دستگیری توسط پلیس یکی از آنان به حق بودن سخنان ترامپ در مورد مهاجران و اخراج آنان اشاره می‌کند (Edwards & Rushin, 2018: 2).

4. Springfield

5. JD Vance

فقط برای کار کردن خوب هستیم، نه برای اینکه مثل یک انسان با ما برخورد شود» (سن: ۵۲، شغل: کفاش، سکونت: گلحصار)

در مثالی دیگر معاون استاندار تهران و فرماندار ویژه وقت شهرستان ری، در سخنانی مقابله با اتباع غیرمجاز را همانند مقابله کردن در زمان جنگ دانسته و حضور این اتباع خارجی در کنار خانواده‌های ایرانی را به‌مثابه مین‌گذاری و تهدیدی در اطراف ایرانیان می‌داند و خواستار بیدار شدن مدیران و اهالی ری است.^۱ الفاظ به‌کاررفته در این سخنان به‌گونه‌ای است که ممکن است این بیدار شدن مورد انتظار، باعث افزایش خشونت و ترویج جرائم مبتنی بر نفرت علیه کل مهاجران حتی مهاجران قانونی گردد. تحریک‌پذیری مردم از سخنان مسئولین سیاسی، همچنین می‌تواند موجب تفرقه اجتماعی و افزایش تنش‌ها بر ضد مهاجران گردد. زمانی که مردم حضور مهاجران را مانند مین در اطراف خانواده خود ببینند، به‌طور قطع برخورد آنان با مهاجران اطرافشان متفاوت خواهد بود و موجب تقویت گزاره «ما» (خودی) علیه «آنان» (دشمن) می‌شود. گرچه حضور شمار زیادی از مهاجران می‌تواند از منظر امنیتی، اقتصادی یا اجتماعی قابل تأمل بوده و در مواردی نیز در عمل تهدیدآفرین باشد، اما این امر نباید بدون تفکیک میان مهاجران و بدون توجه به تفاوت‌های فردی و گروهی آنان، زمینه‌ساز ارتکاب جرائم مبتنی بر نفرت علیه ایشان شود.

جدول ۷: تحلیل داده‌های حاصل از مصاحبه در عوامل سیاسی ایجاد جرائم مبتنی بر نفرت از مهاجران خارجی

زیر مضمون‌های اولیه	زیر مضمون‌های ثانویه	مضمون اصلی
تصویب قوانین سخت‌گیرانه نسبت به مهاجران (مانند سخت‌گیری افراطی و بدبینی در نحوه استخدام مجاز مهاجران قانونی و استفاده از خدمات بانکی)	سیاست‌های مهاجرتی برخی از جناح‌های سیاسی	عوامل سیاسی در ایجاد جرائم مبتنی بر نفرت از مهاجران خارجی
عدم برخورد قاطع با عاملان جرائم مبتنی بر نفرت و یا مسامحه در برخورد با برخی از آنان		
استفاده از مهاجران در جهت شعار انتخاباتی و رأی آوردن در انتخابات		
عدم حمایت از مهاجران و نگاه موقتی به آنان		
ایجاد نفوذ در رسانه‌ها برای بازنمایی منفی از مهاجران	نقش رسانه‌ها و فضای عمومی ساخته‌شده از مهاجران توسط برخی از گروه‌های سیاسی	
فشار در جهت دادن تریبون به دیدگاه‌های ضد مهاجران و تبلیغ آنان		

همان‌طور که در جدول (۷) مشاهده می‌نمایید، ساختار سیاسی با وضع قوانین سخت‌گیرانه و ایجاد محدودیت‌های ناعادلانه در استخدام، خدمات بانکی و حقوق شهروندی، مهاجران را در موقعیتی فرودست قرار داده، تبعیض را نهادینه می‌کند و این پیام را به جامعه می‌دهد که مهاجران از حقوق برابر برخوردار نیستند. این رویکردهای سیاسی از طریق رسانه‌ها به جامعه تزریق شده و با ساختن تصویری منفی و تهدیدآمیز از مهاجران و ترویج گفتمان‌های نفرت‌پراکنانه، فضایی مسموم ایجاد می‌کنند که بستر روانی و اجتماعی را برای تبدیل نفرت به اقدامات مجرمانه فیزیکی یا مجازی فراهم می‌آورد.

همچنین مطابق جدول (۸)، انفعال سیاسی مهاجران، انتخابی آگاهانه نیست، بلکه محصول فرایندی طولانی از ناامیدی ناشی از سیاست‌های نگاه موقت است که برای دهه‌ها ادامه داشته است. این سیاست‌ها حس تعلق اجتماعی مهاجران را تضعیف کرده و این باور را در برخی ایجاد نموده که آینده‌ای در این جامعه ندارند و در نتیجه دلیلی برای مشارکت در سرنوشت سیاسی جامعه‌ای که آنها را

۱. «مقابله با اتباع بیگانه مثل مقابله در زمان جنگ است!». ۱۴۰۳/۰۳/۰۴. به آدرس: <https://www.tabnak.ir/005CJw>

به‌عنوان عضو دائمی نمی‌پذیرد، نمی‌بینند. این وضعیت، مهاجران را از شهروندان بالقوه به ناظرانی بیگانه تبدیل می‌کند. فروپاشی اعتماد به دولت و نهادهای اجرایی از مهم‌ترین پیامدهای سیاسی جرائم مبتنی بر نفرت است. مهاجری که قربانی نفرت‌پراکنی شده و حمایت لازم را دریافت نکرده، برای محافظت از خود، به سمت نامرئی شدن و پرهیز از هرگونه فعالیت اجتماعی و سیاسی که او را در معرض خطر قرار دهد، سوق داده می‌شود.

جدول ۸: تحلیل داده‌های حاصل از مصاحبه در تأثیرات سیاسی جرائم مبتنی بر نفرت در مهاجران خارجی

مضمون اصلی	زیر مضمون‌های ثانویه	زیر مضمون‌های اولیه
تأثیرات سیاسی جرائم مبتنی بر نفرت در مهاجران خارجی	ناامیدی از سیاست‌های مهاجرتی نزد مهاجران	عدم مشارکت در حیات سیاسی
		دلسردی بابت نگاه موقت به مهاجران در ایران (این دلسردی در تعداد زیادی از مصاحبه‌ها به چشم آمده و مهاجران از اینکه برای مهاجران برنامه‌ریزی طولانی مانند چشم‌انداز ده‌ساله نمی‌شود و همیشه به حضور آنان نگاه موقتی شده، ابراز ناامیدی کرده‌اند. در یک نمونه مصاحبه‌شونده پس از ۲۳ سال حضور در ایران معتقد است که همچنان نگاهی موقت به حضور وی در ایران می‌شود)
		احساس آسیب‌پذیری و عدم حمایت
	کاهش اعتماد مهاجران به دولت و نهادهای مجری	عدم گزارش موارد جرائم مبتنی بر نفرت به دلیل عدم اعتماد به پیگیری و مجازات عاملان (در دو مورد از مصاحبه‌شوندگان، مهاجران، عدم جدی گرفته شدن آنان هنگام گزارش چنین مواردی به مراجع رسمی را بیان می‌کنند)
		عدم اعتماد به طرح‌های مربوط به مهاجران (مانند طرح سامان‌دهی اتباع خارجی)

۵. نتیجه

مهاجران به‌عنوان گروه‌های نژادی و قومیتی متفاوت که نسبت به سایرین در اقلیت به سر می‌برند، به‌عنوان آماج مناسب در جرائم مبتنی بر نفرت قرار دارند. یافته‌های این پژوهش، انطباق قابل توجهی با مفاهیم کلیدی نظریه عمومی فشار دارد؛ مصاحبه‌ها به‌وضوح نشان دادند که فشارهای اقتصادی و اجتماعی مانند فشار ناشی از ناتوانی در رسیدن به اهداف بارزش، به هیجانات منفی (به‌ویژه خشم و نفرت) علیه مهاجران دامن می‌زند. این فرایند در ۱۰ مورد از مصاحبه‌ها کاملاً مشهود است؛ به‌عنوان نمونه، مصاحبه‌شونده‌ای که از افت کیفیت تحصیل فرزندش به دلیل شلوغی کلاس‌ها شکایت داشت، حذف یک محرک مثبت (کیفیت آموزش مطلوب) و حضور یک محرک منفی (کلاس شلوغ) را تجربه می‌کرد. در هر دو مورد، این فشارها به هیجانات منفی صریح («متنفرم»، «خونم به جوش می‌آید») منجر شده و زمینه را برای توجیه نفرت فراهم کرده است؛ بنابراین داده‌های کیفی نشان می‌دهند که فشارهای اقتصادی و اجتماعی در سطح خرد، به‌عنوان کاتالیزوری قدرتمند عمل کرده و با مقصر دانستن گروه «دیگری» (مهاجران)، نفرت را به‌عنوان یک واکنش عاطفی و روانی مشروعیت می‌بخشد.

نظریه کنش ساختاری نیز توانایی بالایی در تبیین یافته‌های این پژوهش از خود نشان داده و اساس این نظریه، در فرایند مصاحبه‌ها به‌خوبی قابل مشاهده است؛ جایی که تفاوت‌های فرهنگی مهاجران (مانند پوشش و آداب‌ورسوم)، نه به‌عنوان تنوع بلکه به‌مثابه «تهدیدی برای فرهنگ ایران»، در ۵ مورد از مصاحبه‌ها تفسیر می‌شود. داده‌های جداول (۳) و (۴) از مصاحبه‌ها نیز نشان می‌دهند که این ساختار دوقطبی از طریق کلیشه‌سازی در رسانه‌ها و فولکلورهای مبتنی بر نفرت (مانند طنزهای قومیتی)، نفرت را به امری «طبیعی» و «بدیهی» در ناخودآگاه اجتماعی بدل می‌کند که دقیقاً مصداق فرایند «تفاوت‌سازی» در نظریه پری است. در مقایسه مصاحبه مناطق پر مهاجر و کم‌مهاجر و تأثیر تعداد جمعیت مهاجران بر احتمال ارتکاب جرائم مبتنی بر نفرت نیز نتایج مصاحبه‌ها نشان می‌دهد که در مناطقی از تهران مانند مناطق جنوبی که تعداد زیادی از مهاجران خارجی در آن حضور دارند، سکونت چشمگیر مهاجران در این محلات موجب کاهش اضطراب اجتماعی آنان گشته (۶ نفر) و سبب می‌شود همبستگی اجتماعی میان مهاجران بالا رود (۱۰ نفر) و حتی رستوران‌های مخصوص غذاهای افغانستانی در این مناطق تأسیس شود که با ایجاد دوره‌های میان مهاجران مختلف افغان، حس خوشایندی را در آنان ایجاد کرده است. لیکن درخصوص مردم بومی برای حداقل ۷ مورد مصاحبه‌شونده با سکونت در مناطق جنوبی تهران (بدون در نظر گرفتن اشخاصی که تمایل به ذکر آن نداشتند)، حضور حجم زیادی از مهاجران تهدیدی جدی محسوب شده و ۲ نفر از مصاحبه‌شوندگان از محله خود به «کابل دوم» تعبیر می‌کنند و خواستار برخورد مسئولین در جهت اخراج آنان هستند؛ لذا احتمال تنش‌های آینده در صورت عدم مدیریت درست دور از انتظار نیست، هرچند تعدادی از مردم این مناطق با لحاظ قرار دادن مسائل انسانی پذیرای گرم مهاجران می‌باشند. در مناطق کم‌مهاجر (مناطق شمالی تهران) نیز پژوهشگر معتقد است که تعداد کمتر مهاجران به معنای تماس کمتر و در نتیجه فرصت کمتر برای بروز تنش یا نفرت آشکار است، اما این لزوماً به معنای نگرش مثبت‌تر نیست و ممکن است نوعی بی‌تفاوتی یا نادیده گرفتن وجود داشته باشد. این وضعیت در مصاحبه با یکی از جوانان ساکن محله اختیاریه نیز منعکس شده است؛ به‌گونه‌ای که وی با وجود نداشتن هیچ‌گونه تعاملی با مهاجران در زندگی روزمره، نگرش مثبتی نسبت به آنان ابراز نمی‌کند. از این جهت، ساکنان مناطق شمالی تهران ممکن است از نظر اقتصادی وضعیت بهتری داشته باشند و بنابراین مهاجران را کمتر به‌عنوان یک تهدید اقتصادی تلقی کنند. لیکن این تماس در مناطق جنوبی، به دلیل شکل‌گیری رقابت بر سر منابع محدود مانند شغل و مسکن، به افزایش تنش و نفرت دامن زده است. در همین جهت اگرچه تماس بیشتر مهاجران و مردم بومی می‌تواند به درک متقابل و ایجاد پیوندهای اجتماعی منجر شود، اما اگر همین تماس در شرایط فشار و رقابتی باشد، می‌تواند به افزایش تنش و نفرت منجر گردد. نکته مهم این است که با توجه به نوع پژوهش کیفی مصاحبه‌ها، این اعداد نباید به معنای آماری تفسیر شوند؛ برای مثال اینکه در ۱۰ مصاحبه از ۱۵ مصاحبه یک مضمون دیده شده است، به این معنا نیست که می‌توان نتیجه گرفت ۶۶٫۶۷٪ از کل جامعه ایران که عقاید نفرت‌انگیز دارند، چنین باوری دارند. حجم نمونه (۱۵ نفر در هر گروه) برای چنین تعمیمی بسیار کوچک است و یافته‌های حاصل از آن را نمی‌توان به جامعه بزرگ‌تر ایرانیان یا مهاجران تعمیم داد. با در نظر گرفتن محدودیت‌های پژوهشی، قدرت این پژوهش در تحلیل عمیق محتوای مصاحبه‌ها و ارتباط آن با نظریات مرتبط و عوامل مختلف فرهنگی، اجتماعی، روانی، اقتصادی و سیاسی است و نه در تعداد تکرار یک کد در مصاحبه‌ها و در این راستا اعداد این پژوهش، تنها ابزاری برای نشان دادن برجستگی یک مضمون در نوع جرائم مبتنی بر نفرت در رسیدن به اشباع نظری هستند.

در بسیاری از مصاحبه‌ها، مهاجران از این اعمال به «رنج روزانه» تعبیر می‌کردند که در تمام ایام هفته می‌تواند برای آنان تکرار شود و نگرانی‌های زیادی برایشان فراهم آورد. در این راستا در برخی از

افراد دارای عقاید نفرت‌انگیز، درک اخلاقی جدیدی فراهم شده است که در آن قربانیان مهاجر جرائم مبتنی بر نفرت، مستحق خشونت عادلانه‌اند و در این راستا چنین اقدامات نفرت‌زایی با استفاده از فنون خنثی‌سازی می‌تواند خشونت را تحریک کند؛ بنابراین برای کاهش جرائم مبتنی بر نفرت نسبت به مهاجران، سیاست‌گذاری‌ها نباید تنها بر مجازات مرتکبین متمرکز شوند، بلکه نیازمند رویکردی دوگانه است؛ از یک سو کاهش فشارهای ساختاری اقتصادی و اجتماعی در جامعه و از سوی دیگر، به چالش کشیدن و تغییر روایت‌های فرهنگی و اجتماعی که به «تفاوت‌سازی» دامن می‌زنند.

منابع

الف) فارسی

۱. چاکرابورتی، نیل و گارلند، جان. (۱۴۰۲). جرم مبتنی بر نفرت؛ آثار، علل و پاسخ‌ها. ترجمه پیمان دولت‌خواه پاشاکی. تهران: انتشارات مجد.
۲. دارابی، بهنام. (۱۳۹۵). جرائم ناشی از نفرت مذهبی. *مطالعات تقریبی مذاهب اسلامی (فروغ وحدت)*، ۱۲ (۴۶)، ۵۶-۶۷.
۳. رایجیان اصلی، مهرداد. (۱۴۰۲). کلیات جرم‌شناسی. تهران: نشر نگاه معاصر.
۴. قورچی بیگی، مجید و رضائیان کوچی، محمدرضا. (۱۳۹۹). تحلیلی بر بایسته‌های سیاست کیفری بزه‌دیده‌مدار در جرائم ناشی از نفرت. *فصلنامه پژوهش حقوق کیفری*، ۹ (۳۲)، ۲۱۳-۲۴۴.
۵. لوئیس، کلارا. (۱۳۹۹). آیا در مورد جرائم نفرت‌محور سخت‌گیری می‌شود؟ سیاست‌های فرهنگی جرائم نفرت‌محور. ترجمه: معاذ عبدالهی و بهار محمدی. تهران: انتشارات مهر کلام.
۶. هادی تبار، اسماعیل و هادی زاده، رضا. (۱۳۹۵). درآمدی بر جرم‌شناسی انتقادی نژادی. *فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم*، ۳۸ (۳)، ۱۲۳-۱۴۵.

ب) انگلیسی

1. Antunes, A. C. (2023). "Do you Shower with your Hijab?": Racialization of High School Muslim Girls. *Girlhood Studies*, 16(3), 35-51.
2. Awan, I., & Zempi, I. (2020). 'You all look the same': Non-Muslim men who suffer Islamophobic hate crime in the post-Brexit era. *European Journal of Criminology*, 17(5), 585-602.
3. Bilewicz, M., Soral, W., Marchlewska, M., & Winiewski, M. (2017). When authoritarians confront prejudice. Differential effects of SDO and RWA on support for hate-speech prohibition. *Political Psychology*, 38(1), 87-99.
4. Christie, D. J. (2006). 9/11 Aftershocks: An analysis of conditions ripe for hate crimes. *Collateral damage: The psychological consequences of America's war on terrorism*, 19-44.
5. Cikara, M., Fouka, V., & Tabellini, M. (2022). Hate crime towards minoritized groups increases as they increase in sized-based rank. *Nature human behaviour*, 6(11), 1537-1544.
6. Díaz-Faes, D. A., & Pereda, N. (2022). Is there such a thing as a hate crime paradigm? An integrative review of bias-motivated violent victimization and offending, its effects and underlying mechanisms. *Trauma, Violence, & Abuse*, 23(3), 938-952.
7. Edwards, G. S., & Rushin, S. (2018). The effect of President Trump's election on hate crimes. <http://dx.doi.org/10.2139/ssrn.3102652>
8. Hardy, S.J., Chakraborti, N. (2020). Visible yet Invisible: Challenges Facing Hate Crime Victims. In: *Blood, Threats and Fears*. Cham: Palgrave Pivot.
9. Liebe, U., & Schwitter, N. (2021). Explaining ethnic violence: on the relevance of geographic, social, economic, and political factors in hate crimes on refugees. *European Sociological Review*, 37(3), 429-448.
10. Perry, B. (2002). *In the name of hate: Understanding hate crimes*. Routledge.
11. Plaza-del-Arco, F. M., Halat, S., Padó, S., & Klinger, R. (2021). Multi-task learning with sentiment, emotion, and target detection to recognize hate speech and offensive language. <https://ceur-ws.org/Vol-3159/T1-30.pdf>.
12. Pretus, C., Ray, J. L., Granot, Y., Cunningham, W. A., & Van Bavel, J. J. (2023). The psychology of hate: Moral concerns differentiate hate from dislike. *European Journal of Social Psychology*, 53(2), 336-353.
13. Sexton, C. W. (2011). *The impact of strain on hate crime: Testing Agnew's macro-level general strain theory*. State University of New York at Buffalo.
14. Sjöholm, L. (2016). *Hate Crime and Unemployment: is there a Connection?*. Master Thesis, Lund University.
15. Vendrell Ferran, Í. (2021). Hate: Toward a four-types model. *Review of Philosophy and Psychology*, 15, 441-459.
16. Walters, M. A. (2011). A general theories of hate crime? Strain, doing difference and self control. *Critical Criminology*, 19, 313-330.
17. Warren-Gordon, K., & Rhineberger, G. (2021). The "Trump effect" on hate crime reporting: media coverage before and after the 2016 presidential election. *Journal of ethnicity in criminal justice*, 19(1), 25-45.

ج) وبسایت‌ها

۱۸. «قطع برق، نان نانواها را آجر کرده است». ۱۴۰۴/۰۲/۲۸. دسترسی در: asriran.com/004RzE (آخرین بازدید: شهریور ۱۴۰۴)

۱۹. «قیمت نان در تهران ۵۲ درصد افزایش یافت؛ یک اتحادیه صنفی تعطیل شد». ۱۴۰۴/۰۵/۱۱. دسترسی در: mehrnews.com/x38Gmy (آخرین بازدید: شهریور ۱۴۰۴)

۲۰. «انفجار حضور اتباع خارجی در استان تهران». ۱۴۰۳/۰۶/۱۹. دسترسی در: ettelaat.com/xysJ (آخرین بازدید: دی ۱۴۰۳)

۲۱. «آیا اتباع افغانستانی در ایران، روزانه ۳۰ میلیون قرص نان می‌خورند؟». ۱۴۰۴/۰۵/۱۱. دسترسی در: https://irna.ir/xjV98s (آخرین بازدید: شهریور ۱۴۰۴)

۲۲. «تصاویر بیمارستان مجهزی که ایران برای افغانستان ساخت». ۱۴۰۳/۰۶/۱۵. دسترسی در: https://www.tabnak.ir/005HCA (آخرین بازدید: شهریور ۱۴۰۳)

۲۳. «تعداد مهاجران افغانستانی در ایران بیش از ۵ میلیون نفر است». ۱۴۰۲/۰۴/۲۲. دسترسی در: https://www.entekhab.ir/0034lk (آخرین بازدید: دی ۱۴۰۳)

۲۴. «مقابله با اتباع بیگانه مثل مقابله در زمان جنگ است!». ۱۴۰۳/۰۳/۰۴. دسترسی در: https://www.tabnak.ir/005CJw (آخرین بازدید: دی ۱۴۰۳)

Websites:

25. Levine, Sam. (2024). “They’ve destroyed the place: Trump repeats racist, anti-immigrant lie”. Available at: https://www.theguardian.com/us-news/2024/sep/13/trump-repeats-lies-haitian-immigrants?CMP=share_btn_url (Accessed: 2 Nov. 2024)

پیوست

جدول مصاحبه‌ها

اول) مصاحبه‌های افراد دارای افکار و اعمال نفرت‌انگیز

شماره	سن	شغل	محل سکونت (تهران)	تاریخ
۱	۳۵	کارگر	کهریزک	۱۴۰۲/۱۱/۷
۲	۳۲	عدم اعلام	عدم اعلام	۱۴۰۲/۱۱/۱۹
۳	۲۶	آزاد	علی‌آباد	۱۴۰۲/۱۲/۱۰
۴	۴۲	آزاد	بهجت‌آباد	۱۴۰۳/۰۱/۱۸
۵	۴۰	بنایی	باقرشهر	۱۴۰۳/۰۱/۲۷
۶	۳۰	کارمند	عدم اعلام	۱۴۰۳/۰۲/۰۶
۷	۵۶	عدم اعلام	باقرشهر	۱۴۰۳/۰۳/۱۲
۸	۲۹	بازار	اسلام‌شهر	۱۴۰۳/۰۳/۱۳
۹	۱۶	دانش‌آموز	فدائیان اسلام	۱۴۰۳/۰۳/۲۱
۱۰	۴۷	عدم اعلام	صادقیه	۱۴۰۳/۰۴/۰۲
۱۱	۲۱	دانشجو	اختیاریه	۱۴۰۳/۰۴/۰۵
۱۲	۲۸	عدم اعلام	ورامین	۱۴۰۳/۰۵/۰۵
۱۳	۲۷	عدم اعلام	جوادیه	۱۴۰۳/۰۵/۱۱

۱۴	۳۴	نمایشگاه ماشین	شرق تهران (عدم اعلام دقیق)	۱۴۰۳/۰۶/۹
۱۵	۷۵	کشاورز	روستای کریم آباد	۱۴۰۳/۰۶/۲۱

دوم) مصاحبه‌های با مهاجران خارجی

شماره	سن	شغل	ملیت	محل سکونت (تهران)	مدت مهاجرت (سال)	تاریخ
۱	۵۲	کفاش	افغانستان	گلحصار	۲۳	۱۴۰۲/۱۱/۱۸
۲	۲۸	نصب دوربین مدار بسته	افغانستان	خیابان اسکندری	۵	۱۴۰۲/۱۲/۰۵
۳	۳۲	آزاد	افغانستان	جنوب تهران (عدم اعلام دقیق)	۹	۱۴۰۲/۱۲/۲۴
۴	۲۹	شرکت حمل و نقل	افغانستان	یافت آباد	۴	۱۴۰۳/۰۱/۱۶
۵	۲۳	دانشجو	افغانستان	عدم اعلام	۲	۱۴۰۳/۰۱/۲۴
۶	۲۰	فروش گوشی همراه	افغانستان	باقرشهر	۴	۱۴۰۳/۰۱/۲۵
۷	۲۴	کارگر	افغانستان	حسن آباد فشافویه	۱	۱۴۰۳/۰۲/۲۳
۸	۴۰	سازمان هنری اوج	عراق	پیروزی	۷	۱۴۰۳/۰۳/۰۱
۹	۲۲	دستفروش	پاکستان	که‌ریزک	۵	۱۴۰۳/۰۳/۰۶
۱۰	۱۸	کارگر	افغانستان	که‌ریزک	۱	۱۴۰۳/۰۴/۰۹
۱۱	۳۵	کارگاه خیاطی	افغانستان	جنوب تهران (عدم اعلام دقیق)	عدم اعلام	۱۴۰۳/۰۴/۱۳
۱۲	۲۷	کارگر	افغانستان	شوش	۲	۱۴۰۳/۰۵/۱۵
۱۳	۳۳	بازار	افغانستان	شهرری	۴	۱۴۰۳/۰۵/۱۷
۱۴	۱۵	دانش آموز	افغانستان	باقرشهر	۱۳	۱۴۰۳/۰۶/۱۱
۱۵	۴۵	بنایی	افغانستان	خزانه	۲۰	۱۴۰۳/۰۶/۱۹